

خوشحالم که امروز بعد از حدود بیست ماه تلاش شبانه‌روزی، کار تألیف آخرین عضو کتاب‌های میکروطبقه‌بندی بنده نیز با همان کیفیت همیشگی و به بهترین صورت ممکن به اتمام رسیده است تا بتوانیم این کتاب را نیز در اختیار شما دوستان عزیز نادیده‌ام در جای‌جای ایران قرار دهیم. این کتاب نیز هم‌چون کتاب‌های پایه دهم و پایه یازدهم، حاصل سال‌ها تجربه تألیف و تدریس بنده در مقاطع مختلف تحصیلی بوده است و بدون هیچ تردیدی معتقدم در بین تمامی کتاب‌های مشابه در ایران، منحصر به فرد است.

حتی با بررسی سطحی درسنامه‌های این کتاب و درسنامه‌های کتاب‌های دو پایه قبلی بنده، متوجه خواهید شد که این کتاب‌ها آغازگر روندی جدید و کاملاً متفاوت در آموزش زبان انگلیسی کنکور بوده‌اند. در واقع، در تمامی مراحل تألیف این سری کتاب‌ها، تلاش کردم خودم را در جایگاه شما دوستان خوبم قرار دهم تا بتوانم کامل‌ترین، دقیق‌ترین، روان‌ترین و جذاب‌ترین درسنامه‌های ممکن را در اختیارتان قرار دهم. کافی است تنها چند صفحه از توضیحات گرامری این کتاب را به صورت اجمالی مطالعه کنید تا درستی این صحبت بنده برایتان اثبات شود.

در تست‌های تمامی بخش‌های کتاب، تلاش کردم روند این روزهای کنکور و کتاب‌های درسی نظام جدید را به دقت مدنظر داشته باشم و با توجه به نیاز شما دوستان خوبم، با کیفیت‌ترین و دقیق‌ترین تست‌ها را در اختیارتان قرار دهم. برای تک‌تک ۱۲۶۰ تستی که در این کتاب گنجانده شده است، ایده‌های بسیار مهم و ظریفی مدنظر بوده است تا بتوانم به مخاطبان کتابم تضمین دهم اگر تمام تست‌های این کتاب را با دقت پاسخ دهند و بررسی کنند، به راحتی از پس تمام تست‌های کنکور برمی‌آیند.

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های یک کتاب خوب کنکور، پاسخ‌نامه کامل، دقیق و روان برای تمامی تست‌ها است. کافی است تنها پاسخ یکی از تست‌های این کتاب را بررسی کنید تا متوجه شوید که برای نگارش تک‌تک کلمات پاسخ‌نامه کتاب، نهایت دقت و حساسیت مدنظر بوده است تا اگر در ترجمه بخشی از جمله‌ای به مشکل خوردید و یا پاسخ دادن به تستی برایتان چالش برانگیز بود، با مطالعه پاسخ‌نامه مشکل‌تان به طور کامل برطرف شود. در نهایت به شما دوستان خوبم توصیه‌ای دارم. از شما دوستان خوبم می‌خواهم که قدر این یک سال پیش رو را خیلی خوب بدانید و از تک‌تک لحظات این سال به خوبی استفاده کنید تا با تصمیم آگاهانه و هوشمندانه خودتان بتوانید مسیری بسیار مثبت و سازنده را برای زندگی‌تان شکل دهید.

در پایان

جا دارد از تمام عزیزانی که بنده را در مسیر تألیف این کتاب یاری کردند، تشکر کنم؛ به ویژه از:

- جناب آقای مهندس ابوالفضل جوکار، مدیریت محترم انتشارات بین‌المللی گاج؛
- جناب آقای مهندس افشین احمدی، مدیریت محترم تألیف کتاب‌های میکروطبقه‌بندی و IQ گاج؛
- دوست خوبم آقای حسین طیبی عزیز که به عنوان دستیار تألیف برای این کتاب سنگ تمام گذاشت؛
- تصویرگر خلاق و هنرمند درسنامه‌های گرامر کتاب، سرکار خانم زهرا فلاحی و گرافیست متن، سرکار خانم سمیرا کلاته؛
- جناب آقای مهندس افشین پورافشار؛ معاونت محترم تألیف کتاب‌های میکروطبقه‌بندی و IQ گاج؛ سرکار خانم معصومه غلامی، مسئول محترم برنامه‌ریزی و هماهنگی درس زبان انگلیسی و هم‌چنین جناب آقای امین اسماعیل‌زاده و سرکار خانم طاهره صادقی جهت پیگیری امور اجرایی تألیف کتاب؛

- مدیر فنی محترم واحد، جناب آقای کاظم شاکری؛ عزیزانی که زحمت صفحه‌آرایی کتاب را کشیدند؛ خانم‌ها شبنم بیدی، غزاله دانش، حمیده شریفی، ملاحظت بهمنی و حروف‌نگاران محترم، خانم‌ها مهناسادات کاظمی، گلدن بغدادی، اعظم رضانی؛
- طراح جلد هنرمند و خوش‌فکر، جناب آقای منصور سماواتی؛
- و در نهایت ویراستاران علمی محترم، به‌خصوص استاد گرامی جناب آقای حمیدرضا شعاری و دوست عزیزم جناب آقای صالح بهلولی.

سربلند و پیروز باشید.

امید یعقوبی‌فرد

o.yaghoubifard@gmail.com

**Fear holds you prisoner. Hope sets you free.
Hope springs eternal.**

دستور العمل استفاده از کتاب

هر سه درس این کتاب، فرمت و ساختار کاملاً یکسانی دارند و طبیعتاً دانش‌آموزان برای مطالعه بخش‌های مختلف کتاب، دچار سردرگمی و ابهام نخواهند شد. این بخش‌ها عبارتند از:

۱) واژگان: در بخش واژگان، تمام لغات جدید کتاب درسی و کتاب کار و حتی لغات بسیار مهم سال‌های قبل گردآوری و برای تک‌تک آن‌ها مثال‌های دقیق و کاربردی ارائه شده است تا شما بتوانید لغات را به شکل مؤثر و صحیحی به خاطر بسپارید و با کاربرد آن‌ها در جملات آشنا شوید. علاوه بر این، همراه تمامی لغات کتاب، تصاویر جذابی نیز قرار داده شده است تا یادگیری لغات از طریق حافظه بصری، سریع‌تر و ماندگارتر شود. دقت کنید که در تمامی درس‌ها، آموزش بخش واژگان به سه Session (جلسه مطالعاتی) تقسیم شده است. بد نیست بدانید که لغات قرار گرفته در این جلسات مطالعاتی، بر مبنای اهمیت، دسته‌بندی شده‌اند. یعنی لغات جلسه اول بسیار مهم هستند و به احتمال بسیار زیاد، در کنکور بارها مورد توجه قرار خواهند گرفت. لغات جلسه مطالعاتی دوم، لغات مهمی هستند که ممکن است آن‌ها را هر چند وقت یکبار در کنکور داشته باشیم و لغات جلسه مطالعاتی سوم، واژگان کم‌اهمیت‌تر درس‌ها را پوشش می‌دهند.

در پایان بخش واژگان نیز تعداد زیادی از تست‌های استاندارد واژگان داریم که ترکیبی از تست‌های کنکورهای اخیر و تست‌های تألیفی مشابه کنکور هستند. بهتر است بدانید که ترتیب قرار گرفتن تست‌ها در تمامی بخش‌ها از جمله بخش واژگان از آسان به دشوار می‌باشد تا دانش‌آموزان در تست‌ها با روندی منطقی مواجه شوند.

۲) گرامر: همان‌طور که احتمالاً می‌دانید، سال‌هاست که در جهان، آموزش گرامر در قالب فرمول‌های خشک و بی‌روح منسوخ شده است. در این کتاب نیز سعی شده است با در نظر گرفتن رویکردهای جدید آموزش گرامر، مباحث با زبانی ساده همراه مثال‌های فراوان و با تصاویر جذاب آموزش داده شود. می‌توان گفت با این رویکرد جدید، قطعاً گرامر برای شما به یکی از جذاب‌ترین بخش‌های درس زبان انگلیسی تبدیل خواهد شد. در تست‌های گرامر نیز سعی کرده‌ایم تمام تیپ‌ها و مباحث موردنظر طراح کنکور، به طور کامل پوشش داده شوند و در عین حال، تست‌ها با روندی ملایم، از تست‌های نسبتاً ساده‌تر تا تست‌های دشوار دسته‌بندی شوند.

۳) کلوزتست: با توجه به این‌که در کنکور، پنج تست، یعنی ۲۰٪ از نمره درس زبان انگلیسی از یک متن کلوزتست می‌باشد، اهمیت کلوزتست برای کنکور بسیار زیاد است. به همین دلیل، در تمامی درس‌های کتاب، چندین متن کلوزتست قرار گرفته است تا بتوانید تمرین کلوزتست را به طور مستمر در طول سال تحصیلی داشته باشید. البته حواستان باشد که پیش از پاسخ‌گویی به تست‌های کلوزتست، حتماً «درس‌نامه طلایی درک مطلب و کلوزتست» را از ضمیمه کتاب مطالعه بفرمایید.

۴) درک مطلب: بی‌شک درک مطلب، سخت‌ترین بخش درس زبان انگلیسی در کنکور است و توانایی پاسخ‌گویی به تست‌های درک مطلب، می‌تواند تفاوت داوطلب قوی و معمولی کنکور را رقم بزند. دقیقاً به همین دلیل است که در تمامی درس‌های این کتاب، تعداد بسیار زیادی متن درک مطلب استاندارد قرار گرفته است تا در تمام طول سال تحصیلی، به متن‌های استاندارد و جدید دسترسی داشته باشید.

اما ویژگی منحصر به فرد این کتاب در بخش درک مطلب، درسنامه جامع و بسیار دقیق آن در ضمیمه کتاب است. در «درسنامه طلایی درک مطلب و کلوزتست»، شما با انواع تیپ‌های تست‌های درک مطلب و همین‌طور روش پاسخ‌گویی به همه آن‌ها آشنا خواهید شد؛ بنابراین، قبل از این‌که به سؤالات درک مطلب پاسخ دهید، حتماً این درس‌نامه را با دقت بخوانید و بعدها نیز هر وقت که نیاز داشتید دوباره به آن مراجعه کنید.

۵) آزمون پایانی: در پایان تمامی درس‌های کتاب، یک آزمون کاملاً استاندارد مشابه کنکور قرار گرفته است. سعی کنید که آزمون را در وقت اختصاص یافته به آن در کنکور (۲۰ دقیقه) پاسخ دهید و در صورتی‌که به تستی اشتباه پاسخ دادید، با علت‌یابی آن، به فکر برطرف کردن ضعف‌های خودتان باشید.

۶) پاسخ‌های تشریحی: در پاسخ‌های تشریحی کتاب، سعی شده است ترجمه جملات و متن‌ها به صورت دقیق و به شکل موردنظر داوطلبان کنکور باشد. علاوه بر این، توضیحات پاسخ‌ها به صورتی هستند که عملاً جای هیچ‌گونه ابهامی برای دانش‌آموزان عزیز باقی نمی‌ماند.

Contents

LESSON 1

Sense of Appreciation	8
Answers	77



LESSON 2

Look it Up!	120
Answers	190



LESSON 3

Renewable Energy	241
Answers	307



Appendix	355
----------------	-----



New Words & Expressions

Session 1

addition /ə'dɪf.ən/ *n.*

۱- افزایش، اضافه ۲- افزودن ۳- عضو جدید؛ چیز اضافه شده ۴- اضافی، بیشتر

With the addition of a few pictures on the walls, this room will look very lovely.

با افزودن چند تصویر به دیوارها، این اتاق بسیار دوست‌داشتنی به نظر خواهد رسید.



agreement /ə'grɪ:.mənt/ *n.*

۱- موافقت، توافق ۲- موافقت‌نامه، قرارداد

Both sides were in agreement on the basic terms, but many details had to be worked out.

هر دو طرف در مورد شروط اصلی توافق داشتند، ولی جزئیات فراوانی باید حل‌وفصل می‌شد.



appreciation /ə'pri:.ʃi'ei.jən/ *n.*

۱- قدردانی، سپاس، حق‌شناسی ۲- فهم، شناخت، درک

She was grateful for the help and baked them a cake to show her appreciation.

او بابت کمک ممنون بود و برایشان کیکي پخت تا قدردانی‌اش را نشان دهد.



boost /bu:st/ *v. n.*

۱- [روحیه و غیره] بالا بردن، تقویت کردن ۲- [تولید، فروش] افزایش دادن، زیاد کردن
۳- کمک، تقویت؛ افزایش

Research has shown that a positive attitude helps to boost your body's healing power.

تحقیق نشان داده است که رویکردی مثبت به تقویت کردن توان شفایابی بدن شما کمک می‌کند.



bring up /brɪŋ ʌp/ *v.*

۱- [کودک، حیوان] بزرگ کردن، بار آوردن، پروردن ۲- [مسئله، پرسش] مطرح کردن، ذکر کردن

After her husband's death, she brought up the two children all by herself.

او پس از مرگ شوهرش، آن دو کودک را خودش به تنهایی بزرگ کرد.

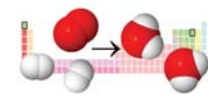


combine /kəm'baɪn/ *v.*

۱- ترکیب کردن، تلفیق کردن ۲- ترکیب شدن؛ به هم پیوستن

When hydrogen and oxygen molecules combine to form water, heat and electricity are produced.

وقتی مولکول‌های هیدروژن و اکسیژن ترکیب می‌شوند تا تشکیل آب بدهند، گرما و الکتریسیته تولید می‌شود.



confirm /kən'fɜ:.rm/ *v.*

تأیید کردن، تصدیق کردن؛ مورد تأیید قرار دادن

Six people have confirmed that they will be attending, and ten haven't replied yet.

شش نفر تأیید کرده‌اند که آن‌ها شرکت خواهند کرد و ده [نفر] هنوز پاسخ نداده‌اند.



dedicated /'ded.ə.keɪ.tɪd/ *adj.*

۱- متعهد، دلسوز، پایبند ۲- اختصاصی، مختص

We have a TV channel completely dedicated to news, and another dedicated to sport.

ما یک کانال تلویزیونی کاملاً مختص خبر و یکی دیگر مختص ورزش داریم.

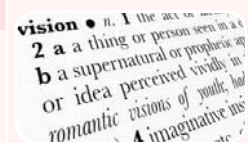


definition /,def.'ɪ.nɪʃ.ən/ *n.*

۱- تعریف ۲- [وظایف و غیره] تعیین

He knows the definition of lots of words, but he can't actually use many of them in a proper sentence.

او تعریف کلمات بسیاری را می‌داند ولی در واقع نمی‌تواند بسیاری از آن‌ها را در جمله‌ای مناسب به کار برد.



deserve /dɪ'zɜ:.rv/ *v.*

سزاوار ... بودن، لایق ... بودن، شایسته ... بودن

She deserved to lose her job. She was actually stealing from the company!

او سزاوار از دست دادن شغلش بود. او داشت در واقع از شرکت دزدی می‌کرد!



<p>discover /di'skʌv.ər/ <i>v.</i> کشف کردن؛ پیدا کردن؛ [دلیل، علت] پی بردن به، فهمیدن</p> <p>Researchers hope to discover new treatments that may help people suffering from migraine headaches.</p> <p>پژوهشگران امیدوارند که درمان‌های تازه‌ای پیدا کنند که ممکن است به افرادی که از سردردهای میگرنی رنج می‌برند، کمک کند.</p>	
<p>distinguished /di'stɪŋ.gwɪʃt/ <i>adj.</i> ۱- مشهور، نامدار، سرشناس؛ برجسته؛ متمایز ۲- موقر، متین</p> <p>I think grey hair on a man can look very distinguished.</p> <p>من فکر می‌کنم موی خاکستری برای مرد می‌تواند بسیار موقر به نظر بیاید.</p>	
<p>duty /'du:.ti/ <i>n.</i> ۱- وظیفه، تکلیف ۲- کار، مسئولیت</p> <p>She was angry because her boss increased her duties in her job, but he didn't increase her salary.</p> <p>او عصبانی بود چون رئیسش وظایف او را در شغلش افزایش داد ولی حقوقش را افزایش نداد.</p>	
<p>elicit /i'lis.it/ <i>v.</i> ۱- [اطلاعات، پاسخ و غیره] (به زور) گرفتن، بیرون کشیدن ۲- استنباط کردن، استخراج کردن</p> <p>The questionnaire was intended to elicit information on eating habits.</p> <p>هدف از پرسش‌نامه این بود که اطلاعاتی درباره عادات خوردن استخراج کند.</p>	
<p>forgive /fər'gɪv/ <i>v.</i> بخشیدن، عفو کردن؛ [خطا، طلب و غیره] چشم‌پوشی کردن از</p> <p>He lied to me, and I couldn't forgive him for that.</p> <p>او به من دروغ گفت و به خاطر آن نمی‌توانم او را ببخشم.</p>	
<p>found /faʊnd/ <i>v.</i> پایه‌ریزی کردن، بنیاد نهادن؛ تأسیس کردن؛ دایر کردن</p> <p>She left a large sum of money in her will to found the charity.</p> <p>او مبلغ زیادی را در وصیت‌نامه‌اش برای دایر کردن مؤسسه خیریه باقی گذاشت.</p>	
<p>generate /'dʒen.ə.reɪt/ <i>v.</i> به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن</p> <p>It is hoped that the new program will help generate jobs for young people.</p> <p>امید می‌رود که برنامه جدید به پدید آوردن مشاغل برای جوانان کمک کند.</p>	
<p>generation /,dʒen.ə'reɪ.ʃən/ <i>n.</i> ۱- نسل ۲- تولید؛ ایجاد</p> <p>Most fathers these days take a greater role in the raising of their children than fathers of past generations.</p> <p>بیشتر پدرها امروزه نقش پررنگ‌تری در بزرگ کردن فرزندانشان [برعهده] می‌گیرند تا پدران نسل‌های قبل.</p>	
<p>heritage /'her.ɪ.tɪdʒ/ <i>n.</i> میراث، ارث</p> <p>The beautiful forests of this country are part of our national heritage and must be protected.</p> <p>جنگل‌های زیبای این کشور بخشی از میراث ملی ما هستند و باید محافظت شوند.</p>	
<p>inform /ɪn'fɔ:rm/ <i>v.</i> مطلع کردن، خبر دادن به، اطلاع دادن به</p> <p>I am pleased to inform you that you have won the first prize in this month's competition.</p> <p>خرسنم به شما اطلاع دهم که شما برنده جایزه نخست در رقابت این ماه شده‌اید.</p>	
<p>inspiration /,ɪn.spə'reɪ.ʃən/ <i>n.</i> ۱- الهام ۲- منبع الهام، الهام‌بخش</p> <p>Our success was a source of inspiration for many countries in Africa.</p> <p>موفقیت ما منبع الهامی برای کشورهای بسیاری در آفریقا بود.</p>	

36. It takes many years for kids who have suffered so much to learn to love and not to
 1) sense 2) lack 3) hate 4) note
37. If your heart is, it makes thousands of ways, but if it is not, it makes thousands of excuses. زبان ۹۶
 1) deep 2) active 3) flexible 4) willing
38. The young lady suffered damage from the car accident and returned to the mental age of a five-year-old.
 1) brain 2) mind 3) cell 4) organ
39. These works of art are considered of great importance to Iran's national
 1) belonging 2) guideline 3) heritage 4) compound
40. Much of the country is suffering severe of water, and the small quantities supplied are not good for human use.
 1) depth 2) quality 3) lack 4) failure
41. Businessman Andrew Carnegie about \$330 million to libraries, research projects, and world peace endeavors.
 1) elicited 2) donated 3) generated 4) installed
42. The science teacher assigned each child to do a/an which would be presented in front of the entire class.
 1) guideline 2) combination 3) experiment 4) replacement
43. When we hire new employees, we look at different criteria, but most education and experience.
 1) conditionally 2) importantly 3) successfully 4) functionally
44. He whispered something in a language I recognized as Italian, but I could not the words.
 1) select 2) collect 3) prefer 4) translate
45. Not, with youth unemployment so high, some school-leavers with qualifications fail to find jobs.
 1) surprisingly 2) personally 3) financially 4) interestingly
46. If your child becomes ill, be sure that the knows what medicines he or she is taking.
 1) physician 2) inventor 3) researcher 4) developer
47. Our vacation was a disaster; not only was the food terrible, the weather was very bad
 1) however 2) yet 3) as well 4) moreover
48. The World Wide Web was by the English scientist Tim Berners-Lee in 1989. However, he wrote the first web browser in 1990.
 1) selected 2) invented 3) discovered 4) translated
49. People employed under similar conditions should not be paid less than others performing similar
 1) cases 2) goals 3) tools 4) duties
50. He writes a daily journal, and that me to try doing the same thing, but in English.
 1) inspired 2) realized 3) dedicated 4) confirmed
51. You need to consume a lot more calories than you do each day if you want to gain weight.
 1) absolutely 2) comfortably 3) normally 4) publicly
52. She made an arrangement with her employer she worked a reduced number of hours.
 1) unless 2) although 3) whereby 4) however

- 53. In Japan, one should give and receive gifts with both hands; this is viewed as a sign of and politeness.**
 1) respect 2) addition 3) heritage 4) solution
- 54. The nurses my temperature and changed my ice packs every few hours until my fever broke in the evening.**
 1) got 2) took 3) held 4) did
- 55. He said the weather was beyond our control, and that last summer was one of the hottest on record.**
 1) issued 2) boosted 3) noted 4) inspired
- 56. Dr. Majid Samii is a Iranian-German neurosurgeon and medical scientist who received Golden Neuron Award in 2014.**
 1) meaningful 2) traditional 3) distinguished 4) sociable
- 57. Your mother read a bit of the letter you received because she opened it without looking at the name on the envelope.**
 1) repeatedly 2) accidentally 3) unconditionally 4) interestingly
- 58. There has been a great deal of political in that European country since the death of the President.**
 1) uncertainty 2) principle 3) agreement 4) compound
- 59. As we were finishing our conversation, Ellis something I had been wondering about.**
 1) carried on 2) put aside 3) depended on 4) brought up
- 60. Stopping smoking can help to slow the progress of the condition and help to reduce the chances of lung**
 1) strength 2) boost 3) cancer 4) pause
- 61. Australian researchers have a substance in coffee that acts like morphine, but doesn't have its deadly side effects.**
 1) invented 2) provided 3) discovered 4) realized
- 62. Readers of the magazine said they wanted more stories about people and fewer about the rich and famous.**
 1) natural 2) ordinary 3) dedicated 4) religious
- 63. When you take vitamin C, you can take large amounts at first, but then decrease the dose if you start having stomach problems. "Decrease" means**
 1) lower 2) replace 3) boost 4) repeat
- 64. I enjoyed my time living and studying in India, but I really felt like I didn't there, so I was glad to finally come home.**
 1) belong 2) select 3) install 4) elicit
- 65. Success or in learning a language will be determined by what you yourself contribute to the process.**
 1) diploma 2) identity 3) failure 4) reality
- 66. If you are unable to attend the interview, for whatever reason, you should us immediately.**
 1) regard 2) inform 3) confirm 4) locate
- 67. The greenhouse effect traps the sun's rays within our atmosphere, raising global temperatures.**
 1) despite 2) hence 3) since 4) although

Grammar

Passive Voice (1)

جملات مجهول (بخش اول)

to be + p.p.

در سال‌های گذشته با ۶ زمان پرکاربرد زبان انگلیسی آشنا شدیم:

① زمان حال ساده (درس‌های ۱ و ۳ انگلیسی نهم). مثال:

I watch TV.

فعل حال ساده

② زمان حال استمراری (درس ۲ انگلیسی نهم). مثال:

I am watching TV.

فعل حال استمراری

③ زمان گذشته ساده (درس‌های ۵ و ۶ انگلیسی نهم). مثال:

I watched TV.

فعل گذشته ساده

④ زمان گذشته استمراری (درس ۳ انگلیسی دهم). مثال:

I was watching TV.

فعل گذشته استمراری

⑤ زمان آینده ساده (درس ۱ انگلیسی دهم). مثال:

I will watch TV.

فعل آینده ساده

⑥ زمان حال کامل (درس ۲ انگلیسی یازدهم). مثال:

I have watched TV.

فعل حال کامل

در همه مثال‌های ارائه شده در بالا، جمله با فاعل (در این جا ضمیر فاعلی I) شروع شده است. پس از فاعل، فعل را به صورت معلوم (active) آورده‌ایم و چون این فعل (watch) به مفعول نیاز دارد، بعد از آن، مفعول (TV) را قرار داده‌ایم. اما اگر به هر دلیلی ندانیم که فاعل جمله چه کسی است و یا برایمان اهمیتی نداشته باشد که فاعل کیست، می‌توانیم از جمله مجهول استفاده کنیم.

روش مجهول کردن جملات معلوم

بهترین راه یاد گرفتن روش مجهول کردن جملات، انجام مرحله به مرحله این کار در قالب مثال است. مثال زیر را بخوانید:

The engineers built the bridge in 1986.

مهندسان این پل را در سال ۱۹۸۶ ساختند.

مفعول فعل معلوم فاعل
(گذشته ساده)

◀ در این جا فاعل جمله (engineers) معلوم و مشخص است و پیش از فعل معلوم (built) قرار گرفته است.

① اولین قدم برای مجهول کردن جملات معلوم، حذف فاعل از ابتدای جمله و قرار دادن مفعول به جای آن در ابتدای جمله است:

The engineers built the bridge in 1986.

⇒ The bridge built in 1986.

مفعول جمله معلوم

② در قدم دوم باید مهم‌ترین کار را انجام دهید و فعل را با ساختار to be + p.p. به شکل مجهول تبدیل کنید:

The bridge was built in 1986.

این پل در سال ۱۹۸۶ ساخته شد.

مفعول جمله معلوم فعل مجهول
(گذشته ساده)

فعل مجهول

همان‌طور که می‌دانید، فعل to be در اشکال مختلفی به کار می‌رود (am / is / are / was / were / be / being / been). برای این‌که بتوانیم تصمیم بگیریم در جمله به چه شکلی از فعل to be نیاز داریم، باید به زمان جمله دقت کنیم. در جدول صفحه بعد شکل مناسب فعل to be را برای زمان‌های مختلفی که تاکنون خوانده‌اید آورده‌ایم. البته برای این‌که دچار سردرگمی نشوید، در همه موارد از فعل نمونه watch (تماشا کردن) استفاده شده است:

زمان	شکل معلوم	شکل مجهول	مثال
حال ساده	watch / watches	am / is / are watched	The butter <u>is kept</u> in the fridge. کره در یخچال نگه داشته می‌شود.
حال استمراری	am / is / are watching	am / is / are being watched	The computer <u>is being repaired</u> at the moment. کامپیوتر الان در حال تعمیر شدن است.
گذشته ساده	watched	was / were watched	The young man <u>was taken</u> to the hospital immediately. آن مرد جوان فوراً به بیمارستان برده شد.
گذشته استمراری	was / were watching	was / were being watched	The room <u>was being cleaned up</u> when I arrived. وقتی رسیدم اتاق در حال تمیز شدن بود.
آینده ساده	will watch	will be watched	The letter <u>will be sent</u> tomorrow morning. نامه فردا صبح ارسال خواهد شد.
حال کامل	have / has watched	have / has been watched	Our flight to Paris <u>has already been booked</u> . پرواز ما به پاریس قبلاً رزرو شده است.

احتمالاً یادتان هست که در درس دوم سال یازدهم گفته شد «قسمت سوم فعل» (p.p.) چه‌طور درست می‌شود. اما بهتر است آن را در این جا با هم مرور کنیم. قسمت سوم فعل (p.p.)، در مورد افعال باقاعده، دقیقاً مثل قسمت دوم فعل (گذشته ساده) درست می‌شود؛ یعنی با اضافه کردن -ed به آخر فعل. مثال:

watch ⇒ watched play ⇒ played pray ⇒ prayed fix ⇒ fixed

تکته در صورتی که آخر فعل باقاعده حرف e داشتیم، قسمت دوم و سوم فعل با اضافه کردن -d به آخر فعل درست می‌شود. مثال:

use ⇒ used produce ⇒ produced hope ⇒ hoped move ⇒ moved

تکته در صورتی که آخر فعل با قاعده حرف y داشتیم، اما حرف قبل از y بی‌صدا بود (حروف غیر از u, o, i, e, a)، قبل از اضافه کردن -ed به آخر فعل، y را به i تبدیل می‌کنیم. مثال:

study ⇒ studied try ⇒ tried worry ⇒ worried reply ⇒ replied

اما همان‌طور که از اسم افعال بی‌قاعده مشخص است، این افعال قاعده مشخصی ندارند و باید قسمت دوم (گذشته ساده) و قسمت سوم (p.p.) آن‌ها را از جدول افعال بی‌قاعده آخر کتاب درسی‌تان (Irregular Verbs) حفظ کنید. مثال:

hurt ⇒ hurt ⇒ hurt

choose ⇒ chose ⇒ chosen

drive ⇒ drove ⇒ driven

make ⇒ made ⇒ made

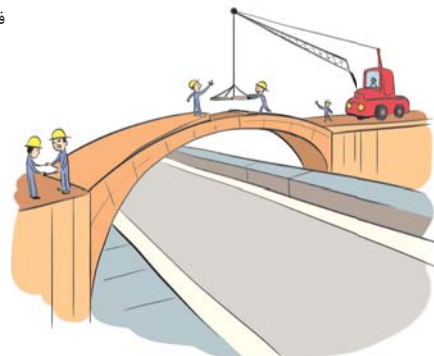
این جدول را خیلی هری بگیرید. اگر افعال این جدول را خوب حفظ نکنید، در خیلی از مباحث گرامری به مشکل می‌خورید.

۳ تا همین جای کار هم جمله مجهول کامل و بی‌نقصی را درست کرده‌ایم. اما در صورتی که بخواهیم در جمله مجهول باز هم فاعل جمله را ذکر کنیم آن را به وسیله «فاعل جمله معلوم + by» بعد از فعل مجهول می‌آوریم:

The bridge was built by the engineers in 1986.

این پل در سال ۱۹۸۶ توسط مهندسان ساخته شد.

فاعل جمله معلوم + by فعل مجهول
معلوم (گذشته ساده)



◀ توجه داشته باشید که این جمله از لحاظ معنایی، تفاوت خاصی با جمله معلوم اوایل درسنامه ندارد و صرفاً در این مورد تمرکز بر پلی است که ساخته شده، در حالی که در جمله معلوم، تمرکز جمله بر مهندسانی بود که آن پل را ساخته‌اند.

اصولترین موارد کاربرد جملات مجهول

به طور کلی در هر جایی که نخواهیم یا نتوانیم فاعل جمله را تعیین کنیم یا برای گوینده، اهمیت کار انجام شده بیشتر از انجام‌دهنده کار باشد، می‌توانیم از فعل مجهول استفاده کنیم. اما برای این که نسبت به کاربردهای فعل مجهول ذهنیت دقیق‌تری داشته باشید، این موارد را با مثال بررسی می‌کنیم:

① در صورتی که فاعل جمله برایمان مشخص نباشد، می‌توانیم از جمله مجهول استفاده کنیم. مثال:

My car has been stolen.

فعل مجهول (حال کامل)



ماشینم دزیره شده است.

◀ عمل دزدیدن انجام شده است. اما با توجه به این که فاعل این فعل برایمان مشخص نیست، در این جا از فعل مجهول استفاده می‌کنیم. فقط دقت کنید که چون زمان انجام فعل در گذشته دقیقاً معلوم نیست و در عین حال تأثیر فعل هم‌چنان باقی است، فعل مجهول را در زمان حال کامل نیاز داریم.

② در صورتی که برای گوینده، فاعل جمله اهمیت زیادی نداشته باشد و برای او فعل انجام شده دارای اهمیت بیشتری باشد، می‌توانیم از فعل مجهول استفاده کنیم. این کاربرد جملات مجهول به خصوص در متن‌ها و جملات علمی زیاد دیده می‌شود. مثال:

The cure was discovered in 2007 by a group of young scientists. این درمان در سال ۲۰۰۷ توسط گروهی از دانشمندان جوان کشف شد.

فعل مجهول (گذشته ساده)

◀ در این جمله آن چیزی که برای گوینده اهمیت دارد کشف درمان جدید است. یعنی گوینده با وجود این که از هویت فاعل جمله (a group of young scientists) مطلع است، ترجیح می‌دهد جمله را مجهول کند و فاعل را به وسیله by بعد از فعل مجهول قرار دهد.

I walked to work. The car is being repaired.

فعل مجهول (حال استمراری)



پیاده سر کار آمدم. ماشینم در حال تعمیر است.

◀ برای گوینده جمله اهمیتی ندارد که چه کسی دارد ماشین را تعمیر می‌کند. برای او مهم این موضوع است که اتومبیل در حال تعمیر است و در دسترس او نیست. دقت کنید که چون فعل مجهول در حال حاضر در حال انجام است، آن را به صورت حال استمراری مورد استفاده قرار می‌دهیم.

③ گاهی اوقات هویت فاعل برای گوینده و شنونده به قدری واضح و بدیهی است که گوینده ترجیح می‌دهد از فعل مجهول استفاده کند. مثال:

The thief will be arrested tomorrow.

فعل مجهول (آینده ساده)

دزد فردا بازداشت خواهد شد.



215. Which of the following is grammatically correct?

- 1) Soon after I applied for a job with the United Nations two years ago, I hired.
- 2) I don't understand why you don't have the report. It has been sent to you over a week ago.
- 3) It is believed that many more people will die of skin cancer over the next ten years.
- 4) If we not hurry, all the tickets will be sold by the time we get to the cinema.

216. It has been estimated that during every second of our life, 10,000,000 red blood cells

- 1) are died to be replaced by new one
- 2) die and are replaced by new ones
- 3) are died and are replaced by new ones
- 4) die to be replaced by new one

217. Arjen can't remember all his passwords, he keeps them in a list which as phone numbers.

- 1) so / is hidden
- 2) yet / was hidden
- 3) and / hides
- 4) but / has hidden

218. Professor Williams keeps telling his students that the future to the well-educated.

- 1) belongs
- 2) is belonged
- 3) belonging
- 4) will be belonged

219. My bike! I am going to call the police.

هنر ۹۳

- 1) stole
- 2) was stealing
- 3) has been stolen
- 4) was being stolen

220. The next decade won't be as pleasant as the one we have just lived through,?

- 1) will they
- 2) haven't we
- 3) will it
- 4) have we

221. A: "Where is your car?"

B: "It at the moment. I it in an hour."

- 1) has been cleaned / will be collected
- 2) is cleaned / will collect
- 3) is being cleaned / will collect
- 4) was being cleaned / will be collected

222. The story was amusingly told from the point of view of a newborn baby,?

- 1) hadn't it
- 2) didn't it
- 3) wasn't it
- 4) weren't they

223. Coca-Cola by Dr. John Pemberton in Atlanta, on 8 May 1886, but in the first year, only nine drinks

- 1) was invented / was sold
- 2) was being invented / has been sold
- 3) was invented / were sold
- 4) was being invented / were sold

224. Which of the following is grammatically wrong?

- 1) As a student, you used to work part-time at a coffee shop, didn't you?
- 2) Everyone is anxious to know what has become of the former champion, aren't they?
- 3) There is no evidence that the story is based on his own experience, is it?
- 4) Please see that the birds in the cage get water and food every day, will you?

225. The book I borrowed from the library the information I needed to finish my report, so I'll have a better one.

- 1) lacked / to find
- 2) was lacked / been found
- 3) was lacked / to find
- 4) lacked / been found

226. The examination papers by machine. The students their results next week.

- 1) are scoring / will be told
- 2) are scored / will be told
- 3) have been scored / will tell
- 4) will be scored / will be telling

227. If you in a car accident and someone, you must report the matter to the police.

- 1) are involved / hurts
- 2) involve / hurts
- 3) are involved / is hurt
- 4) involve / is hurt

228. I had a very tight schedule last week, this week I'm relatively free,?

- 1) or / aren't I 2) but / amn't I 3) or / am I not 4) but / aren't I

229. The dishes yet. Could you please wash them up?

ریاضی ۹۲

- 1) have been not washed 2) have not been washed 3) had not been washed 4) are not being washed

230. Everybody was silent as the teacher was announcing the results of the examination,?

- 1) wasn't everyone 2) weren't they 3) wasn't he 4) didn't they

231. The Amazon valley is important to the ecology of the Earth. Forty percent of the world's oxygen there.

- 1) extremely / is produced 2) extreme / has been produced
3) extreme / was produced 4) extremely / produced

232. That charity after a person who donated about two billion dollars,?

- 1) has named / isn't it 2) is named / didn't he 3) is named / isn't it 4) has named / didn't he

233. Understanding the situation completely

- 1) is required more thinking than it has been given already 2) has required more thought than it has given yet
3) requires more thought than has been given so far 4) require more thinking than has given ever since

234. There was a terrible accident on a busy downtown street yesterday. Dozens of people it, including my friend, who by the police.

- 1) were seen / has interviewed 2) saw / is interviewing
3) were seen / is interviewed 4) saw / was interviewed

235. What a beautiful sunset! Let's hang around for a couple of minutes and watch it,?

- 1) would we 2) do we 3) have us 4) shall we

236. Fiat is the largest automobile manufacturer in Italy. It by a group of Italian businessmen in 1899. In 1903, Fiat, 132 cars.

- 1) was started / was produced 2) has started / produced
3) was started / produced 4) started / was produced

237. Which of the following is grammatically correct?

- 1) Steam engines replaced in most cases by more economical and efficient devices, such as the electric motors.
2) It has been reported that the new office building will not build because of the current economic situation.
3) Working in these conditions are extremely harmful to health, especially if no protective clothes are worn.
4) Many animals have been hunted throughout history as a source of food, but that isn't the case with elephants.

238. Both of them worked hard so that they could pass the entrance examination,?

- 1) didn't they 2) hadn't they 3) didn't them 4) hadn't them

239. Pictures of the surface of the planet Venus yesterday from the space probe "explorer" which last year.

- 1) were received / was launched 2) received / was launched
3) were received / has been launched 4) received / has been launched

240. The old woman used to read stories to him when he was a little boy,?

- 1) doesn't her 2) didn't she 3) does she 4) did her

Cloze Tests

لطفاً پیش از پاسخ‌گویی به سوالات کلوز تست، «درس‌نامه طلایی کلوز تست و درک مطلب» را از صفحه ۳۵۵ مطالعه فرمایید.

Cloze Passage ①

It wasn't long ago that parents asked their teenage kids to make sure they had coins on them so that they could²⁸⁵ home in an emergency. Then, along came cell phones and changed all that! Today, one out of five teenagers has a cell phone, and the number²⁸⁶ . Having a cell phone makes you "cool" and popular at school. Not having a cell phone,²⁸⁷, is embarrassing: it's like wearing last decade's clothes! A recent study showed that teenagers have become so²⁸⁸ to their cell phones that they see little²⁸⁹ between meeting someone face-to-face and talking to them on the phone. So, next time a teenager says, "Dad, if you don't get me a cell phone, I'm going to be a nobody", they are being serious!

زبان ۹۷ - با تغییر

- | | | | |
|--------------------------|---------------|------------------|------------------|
| 285 1) call | 2) join | 3) leave | 4) spend |
| 286 1) increases | 2) increased | 3) had increased | 4) is increasing |
| 287 1) by the way | 2) already | 3) again | 4) however |
| 288 1) addicted | 2) involved | 3) interested | 4) amused |
| 289 1) heritage | 2) excitement | 3) difference | 4) comparison |

Cloze Passage ②

Anthropologists are often interested in how culture changes over time. All cultures go through periods of change,²⁹⁰ some cultures change faster than others. For example, in the past 10 years, Chinese culture²⁹¹ very rapidly as Western goods and products have become very²⁹² . Other countries, such as France, have created rules to prevent their culture from changing too quickly. Recently, the French government passed a law that prevents companies from using English words²⁹³ French words. French people have also been slow to²⁹⁴ goods and restaurants that are popular in other countries. For example, some French people strongly opposed the construction of "Disneyland Paris", a theme park that was built in France in 1992.

- | | | | |
|---------------------------|----------------|----------------|-------------------|
| 290 1) so | 2) or | 3) but | 4) if |
| 291 1) has changed | 2) is changed | 3) was changed | 4) changes |
| 292 1) dedicated | 2) appropriate | 3) satisfied | 4) popular |
| 293 1) in spite of | 2) instead of | 3) beyond | 4) as a result of |
| 294 1) notice | 2) accept | 3) catch | 4) exist |

Cloze Passage ③

Empathy is all about learning how to understand other human beings – both what they think and how they feel. In other words, empathy is being able²⁹⁵ in someone else's shoes. Everyone is different,²⁹⁶ levels of empathy differ from person to person. Some people are more highly sensitive than others. They will²⁹⁷ feel what other people feel. Others don't understand emotions in other people as well. However,²⁹⁸ . Having relationships with other people²⁹⁹ an important part of being human – and having empathy is critical to those relationships.

- | | | | |
|-----------------------------|--------------------|-----------------|--------------|
| 295 1) putting yours | 2) to put yourself | 3) put yourself | 4) put you |
| 296 1) yet | 2) but | 3) or | 4) and |
| 297 1) naturally | 2) fluently | 3) variously | 4) patiently |

Reading Comprehension

لطفاً پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات درک مطلب، «درس‌نامه‌ی کلوزتست و درک مطلب» را از صفحه ۳۵۵ مطالعه فرمایید.

Passage 1

Economic circumstances also affect life expectancy, which is a statistical measure of the average time an organism is expected to live. For example, in the United Kingdom, life expectancy in the wealthiest and richest areas is several years higher than in the poorest areas. This may reflect factors such as diet and lifestyle, as well as access to medical care. It may also reflect a selective effect: people with chronic life-threatening illnesses are less likely to become rich or to live in rich areas. In Glasgow, the difference is amongst the highest in the world: life expectancy for males in the heavily deprived Calton area stands at 54, which is 28 years less than in the rich area of Lenzie, which is only 8 km away.

Life expectancy is also likely to be affected by exposure to high levels of highway air pollution or industrial air pollution. This is one way that people's job can have a major effect on life expectancy. Coal miners (and in prior generations, asbestos cutters) often have lower life expectancies than average life expectancies. Other factors affecting an individual's life expectancy are genetic illnesses, drug use, tobacco smoking, fatness, access to health care, diet and exercise.

هنر ۹۷

325 What does the paragraph before this passage most probably discuss?

- 1) a factor or factors influencing life expectancy
- 2) when the idea of life expectancy first appeared
- 3) people's economic conditions in countries
- 4) why people now live longer than they did in the past

326 What aspect of life expectancy in the United Kingdom does the first paragraph deal with?

- 1) the reasons why it is so high
- 2) techniques used to increase it
- 3) why it is not fixed from year to year
- 4) how it is affected by people's economic conditions

327 The word "which" in the first paragraph refers to

- 1) Glasgow
- 2) difference
- 3) Calton area
- 4) life expectancy

328 Which of the following is NOT mentioned in the passage as a factor affecting life expectancy?

- | | |
|----------------------|-----------------------------|
| 1) job | 2) the country one lives in |
| 3) diet and exercise | 4) access to health care |

Passage 6

Culture shock is the emotional and mental reaction to being in a completely new cultural environment. This is often a very difficult experience for many people, and it consists of several stages of feelings until someone successfully adapts to being in the new culture.

The “honeymoon” phase of culture shock is usually the first stage that people go through when surrounded by different cultural values and lifestyles. During this stage, people often have very positive images of their new cultural surroundings. They tend to view these in an idealistic way and ignore or minimize problems. Encounters with new people are seen as fascinating and unique. This phase is usually quite short for most people and quickly gives way to the second stage, called “the frustration phase”.

During the “frustration phase”, the newcomer begins to experience a more negative view of their cultural surroundings. The problems of communicating in a new language or tasting different foods, for example, are no longer novel. The visitor tends to exaggerate or dwell on problems in the new culture. There is a definite frustration that things that should be easy are still difficult. For example, people who may have enjoyed learning the basics of a language during the honeymoon phase would now find it a chore to try and communicate with locals in the frustration phase. Newcomers may feel isolated during this phase, and many people will voluntarily isolate themselves. Depending on one’s outlook and situation, this phase can last days, months, or even years.

After the frustration phase ends, the adjustment phase begins. This marks the time when newcomers begin to adapt to the new culture. They begin to accept the differences around them and the challenges of everyday life. They can appreciate some aspects of the new culture while being realistic about those they perceived as problems back in the frustration phase. This opens the door to three possible outcomes – mastery, rejection, or assimilation.

346 According to the article, what is culture shock?

- 1) a disease caused by a traumatic shock to the body
- 2) a program designed to support projects that introduce various aspects of culture
- 3) an exchange of students between two countries to promote mutual understanding
- 4) the emotional and mental response to being in a new cultural environment

347 The word “they” in paragraph 2 refers to

- | | |
|---|--------------------------------------|
| 1) people in culture shock | 2) fascinating and unique people |
| 3) people communicating in a new language | 4) people admiring their own culture |

348 It can be inferred from paragraph 3 that

- 1) the second phase of culture shock is easier to deal with than the first
- 2) people in the second phase of culture shock are generally less dissatisfied
- 3) in the second phase of culture shock people find it easy to communicate with locals
- 4) people in the second phase of culture shock are generally more dissatisfied

349 What could you predict as the topic of the next paragraph in the passage?

- | | |
|---------------------------------------|--|
| 1) how to deal with culture shock | 2) information about the frustration phase |
| 3) possible outcomes of culture shock | 4) examples of the author’s frustrations |

- ۳۰ پس از کار کردن به عنوان کارمند برای سال‌های فراوان، بیل ناگهان تصمیم گرفت [کارش را] رها کند و فروشگاه خودش را باز کند.
 (۱) بارها و بارها، به کزات (۲) با حق‌شناسی، با سپاسگزاری (۳) ناگهان، به طور ناگهانی (۴) عموماً، به طور کلی
 او نسبت به پولش چندان گشاده‌دست نیست؛ او برای چیزهای ضروری خرج می‌کند ولی به ندرت به افراد نیازمند کمک می‌کند.
- ۳۱ (۱) گشاده‌دست، سخاوتمند (۲) اجتماعی، معاشرتی
 (۳) سنتی (۴) متعهد، دلسوز، پایبند؛ اختصاصی، مختص
 هر سال تعداد زیادی از افراد می‌آیند و به ما کمک می‌کنند و ما سپاسگزار حمایت آن‌ها هستیم.
- ۳۲ (۱) ممنون، سپاسگزار، متشکر (۲) خلاق، پر از خلاقیت؛ الهام شده
 (۳) منفعل، غیرفعال؛ مجهول (۴) متعهد، دلسوز، پایبند؛ اختصاصی، مختص
 این پروژه طراحی شده است تا حدود ۳۰ مگاوات برق برای شبکه ملی [برق] تولید کند. "generate" (تولید کردن؛ به وجود آوردن) به معنی "produce" است.
- ۳۳ (۱) نصب کردن، کار گذاشتن (۲) ترکیب کردن، آمیختن
 (۳) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن (۴) تولید کردن، ساختن
 هرگز راه‌حل بی‌نقصی برای این موقعیت نخواهد بود چراکه شما نمی‌توانید همیشه همه را راضی کنید.
- ۳۴ (۱) اصل، اساس، مبنا (۲) رحمت، لطف الهی (۳) دستورالعمل؛ راهنما، سرمشق (۴) جواب، راه‌حل؛ [شیمی] محلول
 مطالعات علمی اخیر داروهای طبیعی را شناسایی کرده‌اند که می‌توانند به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک کنند.
- ۳۵ (۱) اتفاقی، تصادفی (۲) مکرر، پی‌درپی، پشت سر هم (۳) خوشبخت، سعادت‌مند (۴) طبیعی؛ ذاتی
 برای کودکانی که این همه رنج برده‌اند سال‌های زیادی زمان می‌برد تا یاد بگیرند که دوست داشته باشند و متنفر نباشند.
- ۳۶ (۱) احساس کردن (که) (۲) فاقد ... بودن، نداشتن
 (۳) نفرت داشتن از، متنفر بودن از (۴) توجه کردن به / که، دقت کردن به / که؛ متوجه شدن که؛ یادداشت کردن
 اگر قلبتان مشتاق باشد، هزاران راه می‌سازد، ولی اگر [مشتاق] نباشد هزاران بهانه می‌سازد.
- ۳۷ (۱) عمیق، گود (۲) فعال، کاری، پُرکار (۳) انعطاف‌پذیر؛ قابل تغییر (۴) علاقه‌مند، مشتاق
 زن جوان از تصادف ماشین دچار ضربه مغزی شد و به سن فکری یک [کودک] پنج‌ساله بازگشت.
- ۳۸ (۱) مغز (۲) ذهن، فکر (۳) سلول (۴) اندام، عضو
 این آثار هنری حائز اهمیت بسیاری برای میراث ملی ایران تلقی می‌شوند.
- ۳۹ (۱) [در جمع] متعلقات؛ اموال منقول (۲) دستورالعمل؛ راهنما، سرمشق
 (۳) میراث؛ ارث (۴) ترکیب
 عمده [جمعیت] کشور از کمبود شدید آب رنج می‌برد و مقادیر کمی که تأمین شده برای استفاده انسان مناسب نیست.
- ۴۰ (۱) عمق، ژرفا (۲) کیفیت؛ ویژگی (۳) نبود، فقدان، کمبود (۴) شکست، عدم موفقیت، ناکامی
 بیزینس‌من اندرو کارنگی حدود ۳۳۰ میلیون دلار به کتابخانه‌ها، پروژه‌های تحقیقاتی و تلاش‌هایی برای صلح جهانی اهدا کرد.
- ۴۱ (۱) (به زور) گرفتن، بیرون کشیدن؛ استنباط کردن، استخراج کردن (۲) اهدا کردن، بخشیدن
 (۳) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن (۴) نصب کردن، کار گذاشتن
 معلم علوم به هر بچه انجام یک آزمایش را واگذار کرد که در برابر تمام کلاس ارائه می‌شد.
- ۴۲ (۱) دستورالعمل؛ راهنما، سرمشق (۲) ترکیب، مخلوط (۳) آزمایش (۴) جایگزین، جانشین
 وقتی کارمندان جدید استخدام می‌کنیم، به معیارهای مختلفی نگاه می‌کنیم ولی مهم‌تر از همه تحصیلات و تجربه.
- ۴۳ (۱) به طور مشروط (۲) اساساً، به طور اساسی؛ مهم این‌که
 (۳) با موفقیت، به خوبی، به نحو مطلوبی (۴) عملاً، در عمل؛ از نظر کارکرد
 او چیزی را به زبانی که ایتالیایی تشخیص دادم زمزمه می‌کرد، ولی نمی‌توانستم کلمات را ترجمه کنم.
- ۴۴ (۱) انتخاب کردن، برگزیدن (۲) جمع کردن، جمع‌آوری کردن؛ دنبال ... رفتن
 (۳) ترجیح دادن (۴) ترجمه کردن

- ۱ ۴۵ تعجبی ندارد که با نرخ بیکاری به این بالایی، برخی از کسانی که مدرسه را با مدارک تحصیلی ترک می‌کنند، موفق نمی‌شوند کار پیدا کنند.
 (۱) در کمال تعجب؛ به طور شگفت‌انگیزی، به طور تعجب‌آوری (۲) شخصاً؛ به طور شخصی، به طور خصوصی
 (۳) به لحاظ مالی، از نظر پولی (۴) جالب این‌که، عجیب این‌که
- ◀ عجیب نیست که، تعجبی ندارد که: not surprisingly
- ۱ ۴۶ اگر فرزندان بیمار شد، مطمئن شوید که پزشک می‌داند او چه داروهایی مصرف می‌کند.
 (۱) پزشک، دکتر (۲) مخترع، مبدع (۳) محقق، پژوهشگر (۴) طراح، سازنده؛ توسعه‌دهنده
- ۳ ۴۷ تعطیلات ما فاجعه بود، نه تنها غذا مزخرف بود، آب‌وهوا هم خیلی بد بود.
 (۱) اما، با وجود این (۲) هنوز؛ با این حال (۳) هم، نیز، هم‌چنین (۴) علاوه بر این، به‌علاوه
- ۲ ۴۸ شبکه جهانی وب توسط دانشمند انگلیسی تیم برنرزلی در [سال] ۱۹۸۹ اختراع شد. ولی او نخستین مرورگر وب را در [سال] ۱۹۹۰ نوشت.
 (۱) انتخاب کردن، برگزیدن (۲) اختراع کردن؛ ابداع کردن (۳) کشف کردن؛ پیدا کردن (۴) ترجمه کردن
- ۴ ۴۹ به افرادی که تحت شرایط مشابه استفاده می‌شوند نباید کم‌تر از دیگران که وظایف مشابه انجام می‌دهند، [حقوق] پرداخت شود.
 (۱) مورد، نمونه؛ قضیه (۲) هدف، مقصود (۳) ابزار، وسیله (۴) وظیفه؛ کار، مسئولیت
- ۱ ۵۰ او دفترچه یادداشت روزانه می‌نویسد و آن [کارش] مرا ترغیب کرد که انجام همان کار را امتحان کنم، ولی به انگلیسی.
 (۱) الهام‌بخشی ... بودن؛ ترغیب کردن (۲) فهمیدن، درک کردن (۳) اختصاص دادن؛ صرف کردن (۴) تأیید کردن، تصدیق کردن
- ◀ کسی را به کاری ترغیب کردن: inspire sb to do sth
- ۳ ۵۱ اگر می‌خواهی وزن اضافه کنی باید کالری بسیار بیشتری از آن‌چه معمولاً هر روز [مصرف] می‌کنی، مصرف کنی.
 (۱) قطعاً، مسلماً (۲) به راحتی، با آسایش (۳) معمولاً، به طور معمول (۴) به طور عمومی، علناً، آشکارا
- ۳ ۵۲ او با کارفرمایش توافقی انجام داد که به موجب آن تعداد ساعات کم‌تری کار می‌کرد.
 (۱) مگر این‌که (۲) اگرچه، هر چند (۳) که از آن طریق؛ که به موجب آن (۴) اما، با وجود این
- ۱ ۵۳ در ژاپن، شخص باید هدایا را با دو دست بدهد و دریافت کند؛ این نشانه احترام و ادب به حساب می‌آید.
 (۱) احترام؛ جنبه، وجه (۲) افزایش، اضافه (۳) ارث، میراث (۴) جواب، راه‌حل؛ [شیمی] محلول
- ۲ ۵۴ پرستاران هر چند ساعت درجه حرارت [بدن] من را گرفتند و بسته‌های یخ من را عوض کردند تا تب من عصر فروکش کرد (شکست).
 (۱) گرفتن؛ شدن (۲) [تب، نبض و غیره] گرفتن، اندازه گرفتن
 (۳) نگه داشتن؛ برگزار کردن (۴) انجام دادن
- ◀ درجه حرارت ... را گرفتن: take temperature
- ۳ ۵۵ او گفت آب‌وهوا از کنترل ما خارج است و متذکر شد که تابستان گذشته یکی از گرم‌ترین [تابستان‌های] ثبت شده بود.
 (۱) توزیع کردن؛ منتشر کردن (۲) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن
 (۳) اشاره کردن به، متذکر شدن (۴) الهام‌بخشی ... بودن
- ۳ ۵۶ دکتر مجید سمیعی یک جراح اعصاب و دانشمند پزشکی برجسته ایرانی - آلمانی است که جایزه نورون طلایی را در [سال] ۲۰۱۴ دریافت کرد.
 (۱) با معنی، معنادار (۲) سنتی (۳) مشهور، نامدار؛ برجسته (۴) اجتماعی، معاشرتی
- ۲ ۵۷ مادرت اتفاقی کمی از نامه‌ای را که دریافت کردی خواند چون آن را بدون نگاه کردن به نام روی پاکت باز کرد.
 (۱) به کزات، بارها و بارها (۲) اتفاقی، برحسب تصادف (۳) بی‌قیدوشرط، بی‌چون‌وچرا (۴) جالب این‌که، عجیب این‌که
- ۱ ۵۸ از زمان مرگ رئیس‌جمهور، بلا تکلیفی سیاسی فراوانی در آن کشور اروپایی بوده است.
 (۱) تردید، عدم اطمینان؛ بلا تکلیفی (۲) اصل، اساس (۳) توافق، موافقت (۴) ترکیب، مخلوط
- ۴ ۵۹ در حالی که مکالمه خود را به پایان می‌رساندیم، ایس چیزی را مطرح کرد که برایم سؤال شده بود.
 (۱) ادامه دادن، دنبال کردن (۲) کنار گذاشتن
 (۳) تکیه کردن به؛ بستگی داشتن به (۴) مطرح کردن، ذکر کردن؛ [کودک، حیوان] بزرگ کردن، پروردن
- ۳ ۶۰ ترک سیگار می‌تواند به گند کردن پیشرفت این بیماری کمک کند و برای کاهش دادن احتمال [ابتلا به] سرطان ریه سودمند باشد.
 (۱) قدرت، توان (۲) کمک، تقویت؛ افزایش (۳) سرطان (۴) مکث، توقف

- ۳ ۶۱ پژوهشگران استرالیایی ماده‌ای را در قهوه کشف کرده‌اند که مانند مورفین عمل می‌کند ولی عوارض جانبی مرگبار آن را ندارد.
- (۱) اختراع کردن؛ ابداع کردن
(۲) تهیه کردن، فراهم کردن، در اختیار گذاشتن
(۳) کشف کردن؛ پی بردن به
(۴) فهمیدن، درک کردن
- ۲ ۶۲ خوانندگان مجله گفتند [که] آن‌ها داستان‌های بیشتری دربارهٔ مردم معمولی و کمتر دربارهٔ [افراد] ثروتمند و معروف می‌خواهند.
- (۱) طبیعی؛ ذاتی
(۲) عادی، معمولی
(۳) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی، مختص
(۴) دینی؛ مذهبی
- ۱ ۶۳ وقتی ویتامین ث مصرف می‌کنی، می‌توانی ابتدا مقادیر زیادی مصرف کنی، ولی بعداً اگر مشکلات معده برایت آغاز شد دوز را کاهش دهی. "decrease" (کاهش دادن؛ کاهش یافتن) به معنی "lower" است.
- (۱) پایین آوردن، پایین کشیدن؛ پایین آمدن
(۲) جایگزین کردن، جانشین کردن
(۳) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن
(۴) تکرار کردن؛ دوباره انجام دادن
- ۱ ۶۴ من از مدت زمانی که در هند زندگی می‌کردم و درس می‌خواندم لذت بردم، ولی واقعاً حس می‌کردم [که] به آن‌جا تعلق ندارم، بنابراین خوشحال بودم که بالاخره به خانه آمدم.
- (۱) تعلق داشتن (به)
(۲) انتخاب کردن، برگزیدن
(۳) نصب کردن، کار گذاشتن
(۴) (به زور) گرفتن؛ استنباط کردن، استخراج کردن
- ۳ ۶۵ موفقیت یا شکست در آموختن یک زبان با آن‌چه خودتان در این فرایند به میان می‌گذارید، تعیین می‌شود.
- (۱) دیپلم، مدرک
(۲) هویت
(۳) شکست، ناکامی
(۴) واقعیت، حقیقت
- ۲ ۶۶ اگر به هر دلیلی، نمی‌توانید در مصاحبه شرکت کنید باید فوراً به ما اطلاع دهید.
- (۱) به شمار آوردن، تلقی کردن
(۲) خبر دادن به، اطلاع دادن به
(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن
(۴) جای ... را مشخص کردن، پیدا کردن
- ۲ ۶۷ اثر گلخانه‌ای پرتوهای خورشید را در اتمسفر ما به دام می‌اندازد، بنابراین درجهٔ حرارت‌های جهانی را بالا می‌برد.
- (۱) علی‌رغم، با وجود
(۲) بنابراین، از این رو
(۳) از وقتی که؛ چون، چرا که
(۴) اگرچه، هر چند
- ۳ ۶۸ با ۳۸۲,۶۵۰ نوزادی که هر روز به دنیا می‌آیند و ۱۴۴,۹۰۲ انسانی که روزانه می‌میرند، جمعیت جهان حدود ۲۳۷,۷۴۸ نفر در روز افزایش می‌یابد.
- (۱) ترکیب کردن، تلفیق کردن
(۲) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن
(۳) افزایش دادن؛ افزایش یافتن، زیاد شدن
(۴) به شمار آوردن، تلقی کردن
- ۲ ۶۹ چند چیز کوچک هست که دربارهٔ کارم دوست ندارم ولی با در نظر گرفتن همه چیز، فکر می‌کنم این [کار] بسیار لذت‌بخش است.
- (۱) عادی، معمولی
(۲) لذت‌بخش، دلپذیر
(۳) وحشتناک، هولناک؛ خیلی بد
(۴) منفعل، غیرفعال
- ۳ ۷۰ کلکسیون نقاشی‌ها به موزهٔ بریتانیا فروخته شده است، جایی که تحت شرایط بسیار بهتری نگهداری خواهد شد.
- (۱) تنوع، گوناگونی؛ نوع، گونه
(۲) کمیت؛ تعداد، مقدار
(۳) کلکسیون، مجموعه
(۴) مثال، نمونه
- ۲ ۷۱ مطالعات نشان می‌دهند که حمل‌ونقل عمومی عمدتاً توسط افرادی که هر روز رفت‌وآمدهای منظم، معمولاً به سرکار یا مدرسه دارند، استفاده می‌شود.
- (۱) عمیقاً؛ به شدت
(۲) عمدتاً، اساساً
(۳) اخیراً، این اواخر
(۴) فوراً، سریعاً؛ به سرعت
- ۱ ۷۲ یک خوانندهٔ روزنامه می‌تواند آن‌چه را علاقه‌مند است انتخاب کند و از آن‌چه فکر می‌کند کسالت‌بار یا نامرتب است رد شود.
- (۱) انتخاب کردن، برگزیدن
(۲) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن
(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن
(۴) الهام‌بخشی ... بودن؛ القا کردن
- ۲ ۷۳ خواندن دفتر خاطرات کسی که صدها سال قبل می‌زیسته به ما ایدهٔ خوبی می‌دهد از این‌که مردم در آن زمان چگونه زندگی می‌کردند.
- (۱) ارث؛ میراث
(۲) دفتر خاطرات
(۳) گزارش؛ مدرک؛ ثبت؛ رکورد
(۴) دستورالعمل؛ راهنما
- ۴ ۷۴ مطالعات جدید نشان می‌دهند که ترجمهٔ ابزاری مفید در آموختن واژگان یک زبان خارجی جدید است.
- (۱) مورد، نمونه؛ قضیه
(۲) حقیقت، واقعیت
(۳) حس، احساس
(۴) ابزار، وسیله
- ۳ ۷۵ اصل کلی آن است که آموزش باید برای تمام کودکان تا سن ۱۸ سالگی در دسترس باشد.
- (۱) دیپلم، مدرک
(۲) کیفیت
(۳) اصل، اساس
(۴) قدرت، توان

۱ ۲۱۴ بچه‌ها واقعاً نسبت به مجسمه‌هایی که در گالری هنری دیدیم علاقه‌مند به نظر می‌رسیدند، مگه نه؟

◀ با توجه به این‌که در جمله فقط فعل اصلی **seemed** را به صورت مثبت و در زمان گذشته ساده داریم، در پرسش کوتاه تأییدی، از شکل منفی فعل **did** (یعنی **didn't**) استفاده می‌شود. دقت کنید که در پرسش کوتاه تأییدی نمی‌توانیم از فاعل به صورت اسم (مانند **the children** در این تست) استفاده کنیم و باید آن را با ضمیر فاعلی مناسب (مانند **they** در این جا) جایگزین کنیم.

۳ ۲۱۵ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

۱) بلافاصله بعد از آن‌که دو سال پیش برای شغلی در سازمان ملل متحد تقاضا دادم، استخدام شدم.
 ۲) نمی‌فهمم تو چرا گزارش را نداری. آن بیش از یک هفته پیش برایت فرستاده شد.
 ۳) باور بر آن است که افراد بسیار بیشتری در عرض ده سال آینده از سرطان پوست خواهند مرد.
 ۴) اگر عجله نکنیم، تمام بلیت‌ها تا وقتی که به سینما برسیم فروخته می‌شوند.

◀ در گزینه (۱) فعل **hire** (استخدام کردن) متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که در این جا بعد از **hire** مفعول را نداریم و مفعول (در این مورد ضمیر **I**) به قبل از آن منتقل شده، این فعل را به صورت مجهول (در این مورد **was hired**) نیاز داریم. در مورد گزینه (۲) دقت کنید که چون «فرستادن گزارش» در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است، در این مورد فعل مجهول در زمان گذشته ساده (**was sent**) نیاز است، نه حال کامل (**has been sent**). در مورد گزینه (۴) نیز دقت کنید که برای منفی کردن فعل در زمان حال ساده برای ضمیر فاعلی **we**، پیش از فعل، **don't** قرار می‌دهیم، نه **not**. اما گزینه (۳) چه از نظر مجهول بودن فعل متعدی **believe** و چه از نظر سایر اجزای جمله مشکل خاصی ندارد و در این تست به عنوان گزینه صحیح انتخاب می‌شود.

۲ ۲۱۶ تخمین زده شده است که در طول هر ثانیه از زندگی ما ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ گلبول قرمز خون می‌میرند و توسط [سلول‌های] جدید جایگزین می‌شوند.

◀ فعل **die** (مردن) جزء افعال لازم است و چون به مفعول نیاز ندارد، پس نمی‌توانیم آن را مجهول کنیم؛ بنابراین در بین گزینه‌های موجود فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که ضمیر **one** در آخر جمله به اسم جمع **cells** اشاره دارد و در نتیجه باید آن را با **S** جمع ببندیم.

۱ ۲۱۷ آرین نمی‌تواند تمام گذرگاه‌هایش را به یاد بیاورد، پس آن‌ها را در لیستی نگه می‌دارد که [در آن لیست] به عنوان شماره‌های تلفن پنهان شده‌اند.

◀ در این جا جمله دارای ساختار جمله مرکب است؛ بنابراین باید برای پی بردن به کلمه ربط مناسب برای جای خالی اول، ارتباط بین دو بند جمله را مشخص کنیم. با توجه به این‌که بند دوم جمله، نتیجه حاصل از بند اول را ذکر می‌کند، در این مورد به **so** (پس، بنابراین، در نتیجه) نیاز است. دقت کنید که فعل **hide** (مخفی کردن، پنهان کردن) در این جا متعدی است، اما با توجه به این‌که مفعول آن (یعنی ضمیر **which** که به **passwords** باز می‌گردد) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی دوم به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم (گزینه‌های (۱) و (۲)). همان‌طور که می‌دانید برای بیان امور کلی که مربوط به بازه زمانی خاصی نیستند از فعل حال ساده استفاده می‌شود که در این جا شکل مجهول آن را در گزینه (۱) داریم.

۱ ۲۱۸ پروفیسور ویلیامز مدام به شاگردانش می‌گوید که آینده متعلق به تحصیل‌کردگان است.

◀ فعل مرکب **belong to** (متعلق بودن به) جزء افعال متعدی است که در این جمله مفعول آن (**the well-educated**) بعد از جای خالی قرار گرفته است؛ بنابراین در این مورد به فعل معلوم نیاز داریم که طبق مفهوم جمله و مقید نبودن آن به بازه زمانی خاص باید در زمان حال ساده باشد. شکل مناسب این فعل در زمان حال ساده و به شکل معلوم در گزینه (۱) آمده است.

۳ ۲۱۹ دوچرخه‌ام دزدیده شده! [الان] با پلیس تماس می‌گیرم.

◀ فعل **steal** (دزدیدن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (**my bike**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، گزینه‌های (۳) و (۴) دارای ساختار مجهول هستند. برای اشاره به عملی که در گذشته انجام شده است اما نتایج و آثار آن تاکنون ادامه دارد، از زمان حال کامل (**have / has + p.p.**) استفاده می‌کنیم که در این تست شکل مجهول آن مدنظر است.

۳ ۲۲۰ دهه آینده به دلچسبی آن [دهه‌ای] که تازه سپری کرده‌ایم نخواهد بود، مگه نه؟

◀ با توجه به این‌که در این جا جمله دارای ساختار جملات مرکب نیست، پرسش کوتاه تأییدی را بر اساس فاعل و فعل ابتدای جمله (**the next decade won't be**) درست می‌کنیم. همان‌طور که می‌بینید، در این مورد فعل وجهی منفی **won't** را داریم؛ بنابراین در پرسش کوتاه تأییدی همان را به صورت مثبت (در این مورد **will**) نیاز داریم. علاوه بر این، توجه کنید که ضمیر فاعلی مناسب برای **the next decade** در این جمله، **it** است.

A: «ماشینت کجاست؟» ۳ ۲۲۱

B: «در حال حاضر دارد تمیز می‌شود. تا یک ساعت دیگر می‌روم دنبالش.»

هر دو فعل **clean** (تمیز کردن) و **collect** (دنبال ... رفتن؛ جمع کردن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در جای خالی اول، مفعول (**it**) پیش از جای خالی قرار گرفته اما در جای خالی دوم آن را بعد از جای خالی داریم، در جای خالی اول به فعل مجهول و در جای خالی دوم به فعل معلوم نیاز است؛ بنابراین گزینه‌های (۱) و (۴) به دلیل داشتن فعل مجهول در جای خالی دوم (**will be collected**) حذف می‌شوند. دقت کنید که فعل مجهول قرار گرفته در جای خالی اول به عملی اشاره دارد که در حال حاضر (**at the moment**) در حال انجام است؛ بنابراین در این مورد فعل مجهول را در زمان حال استمراری (**is being cleaned**) نیاز داریم.

داستان به طرزی جذاب از نقطه نظر یک کودک نوزاد گفته شده بود، مگه نه؟ ۳ ۲۲۲

با توجه به این‌که در جمله اصلی فعل کمکی **was** را به صورت مثبت داریم که جمله از طریق آن مجهول شده است، در پرسش کوتاه تأییدی همین فعل کمکی را به صورت منفی نیاز داریم. دقت کنید که ضمیر فاعلی مناسب برای **the story** (داستان) در این تست، **it** است.

کوکاکولا در ۸ [ماه] مه ۱۸۸۶ توسط دکتر جان پمبرتون در آتلانتا ابداع شد، اما در سال اول، تنها ۹ نوشیدنی به فروش رفت. ۳ ۲۲۳

تمامی موارد قرار گرفته در گزینه‌ها دارای ساختار مجهول است؛ بنابراین باید صرفاً بر مبنای زمان فعل‌ها تشخیص دهیم که کدام گزینه صحیح است. دقت کنید که چون هر دو فعل مجهول قرار گرفته در گزینه‌ها مربوط به زمان گذشته هستند و در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده‌اند، در هر دو مورد به فعل گذشته ساده مجهول (**was / were + p.p.**) نیاز داریم. البته چون **drinks** پیش از جای خالی دوم جمع است، برای آن باید از **were** استفاده کنیم، نه **was**.

کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟ ۳ ۲۲۴

(۱) به عنوان دانشجو، تو به صورت پاره‌وقت در یک کافی‌شاپ کار می‌کردی، مگه نه؟

(۲) همه مضطربند تا بدانند چه بر سر قهرمان سابق آمده است، مگه نه؟

(۳) هیچ مدرکی وجود ندارد که داستان براساس تجربه خودش باشد، مگه نه؟

(۴) لطفاً مواظب باشید که به پرندگان در قفس هر روز آب و غذا برسد، باشه؟

در گزینه (۱) در جمله اصلی **used to** داریم؛ بنابراین در پرسش تأییدی به درستی از **didn't** استفاده شده است و ضمیر فاعلی **you** هم که طبیعتاً عیناً تکرار شده است. در مورد گزینه (۲) دقت کنید که چون در جمله اصلی از ضمیر مبهم **everyone** استفاده کرده‌ایم؛ بنابراین در پرسش کوتاه تأییدی ضمیر **they** قرار می‌گیرد و همراه ضمیر جمع **they** از فعل جمع **are** استفاده می‌کنیم، نه فعل مفرد **is**. پس گزینه (۲) هم دارای ساختار صحیح و مناسبی است. گزینه (۴) دارای ساختار جمله امری است؛ بنابراین برای درست کردن پرسش تأییدی به درستی از **will you?** استفاده کرده‌ایم. اما در مورد گزینه (۳) توجه کنید که چون در این جا جمله با **there is** آغاز شده است، در پرسش تأییدی باید خود **there** را به کار ببریم و در واقع در این گزینه باید به جای **is it?** از **is there?** استفاده شود.

کتابی [که] از کتابخانه قرض گرفتم فاقد اطلاعاتی بود [که] برای تمام کردن گزارشم نیاز داشتم، پس باید یکی بهترش را پیدا کنم. ۱ ۲۲۵

فعل **lack** (فاقد ... بودن، نداشتن) جزء افعال متعدی است. البته چون مفعول این فعل (**the information**) بعد از جای خالی قرار گرفته است، پس نمی‌توانیم این فعل را مجهول کنیم و طبق جای خالی اول، تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که در این جا طبق مفهوم جمله، فعل **have to** مدنظر است و همان‌طور که می‌دانید بعد از این فعل، فعل اصلی به شکل ساده به کار می‌رود (مانند **find** در این تست).

برگه‌های امتحانی توسط دستگاه نمره داده می‌شوند. دانش‌آموزان، هفته آینده از نتایج خودشان آگاه می‌شوند. ۲ ۲۲۶

فعل **score** (نمره دادن به) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (**examination papers**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. علاوه بر این، فعل **tell** (گفتن؛ آگاه کردن) در جای خالی دوم نیز جزء افعال متعدی و البته در این جا دو مفعولی است که یکی از مفعول‌های آن (**the students**) پیش از جای خالی آمده است؛ بنابراین در این مورد نیز به فعل مجهول نیاز داریم. در بین گزینه‌های موجود، تنها در گزینه (۲) برای هر دو جای خالی فعل مجهول داریم.

اگر درگیر یک تصادف رانندگی شدید و کسی آسیب دید، باید موضوع را به پلیس گزارش دهید. ۳ ۲۲۷

هر دو فعل **involve** (درگیر کردن، گرفتار کردن) و **hurt** (آسیب زدن، صدمه زدن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در هر دو مورد، مفعول پیش از جای خالی قرار گرفته است (ضمایر **you** و **someone**)، در هر دو جای خالی به فعل مجهول نیاز داریم. در بین گزینه‌های موجود تنها در گزینه (۳) برای هر دو جای خالی فعل مجهول داریم.

۴ ۲۲۸ من هفته گذشته برنامه بسیار فشرده‌ای داشتم، ولی این هفته نسبتاً آزاد هستم، مگه نه؟

◀ در این تست، جمله مرکب مورد استفاده قرار گرفته است و با توجه به این‌که بین دو بند جمله رابطه تضاد و مقایسه وجود دارد، در بین آن‌ها **but** قرار می‌دهیم. همان‌طور که در درسنامه نیز گفته شد، در صورتی‌که بخواهیم در انتهای جمله مرکب، پرسش تأییدی قرار دهیم، این پرسش بر مبنای فاعل و فعل بند دوم درست می‌شود. علاوه بر این، همان‌طور که احتمالاً می‌دانید برای فاعل و فعل (**I am (I'm)**) پرسش تأییدی همواره شکل ثابتی دارد و در این مورد همواره از **aren't I?** استفاده می‌شود.

۲ ۲۲۹ طرف‌ها هنوز شسته نشده‌اند. می‌توانی لطفاً آن‌ها را بشویی؟

◀ فعل **wash** (شستن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (**the dishes**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. البته تمامی گزینه‌ها دارای ساختار مجهول هستند و تنها می‌توان گزینه (۱) را به دلیل قرار گرفتن **not** بعد از دو فعل کمکی **have** و **been** حذف کرد. چرا که وقتی در جمله دو فعل کمکی داریم، برای منفی کردن فعل، **not** را بین دو فعل کمکی قرار می‌دهیم. دقت کنید که **yet** از نشانه‌های اصلی زمان حال کامل (**have / has + p.p.**) است و نشان می‌دهد که فعل از گذشته تاکنون هنوز انجام نشده است. در این تست نیز همین کاربرد زمان حال کامل به صورت مجهول مدنظر است.

۲ ۲۳۰ در حالی‌که معلم نتایج امتحان را اعلام می‌کرد، همه ساکت بودند، مگه نه؟

◀ چون در جمله اصلی از ضمیر مبهم **everybody** استفاده کرده‌ایم، در پرسش کوتاه تأییدی ضمیر فاعلی جمع **they** قرار می‌گیرد. دقت کنید که به دلیل جمع بودن ضمیر **they**، فعل **was** هم پیش از منفی شدن به شکل جمع در می‌آید (یعنی **weren't**).

۱ ۲۳۱ دژه آمازون شدیداً برای بوم‌شناسی زمین مهم است. چهل درصد از اکسیژن جهان در آن‌جا تولید می‌شود.

◀ با توجه به این‌که کلمه قرار گرفته در جای خالی اول شدت و مقدار صفت **important** (مهم، با اهمیت) را نشان می‌دهد، در این مورد به قید مقدار (**extremely**) نیاز داریم، نه صفت (**extreme**)؛ بنابراین تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. در مورد جای خالی دوم توجه کنید که فعل **produce** (تولید کردن، ساختن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (**oxygen**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. در بین گزینه‌های (۱) و (۴) تنها در گزینه (۱) برای جای خالی دوم فعل مجهول داریم و در نتیجه همین گزینه را به عنوان پاسخ صحیح انتخاب می‌کنیم.

۳ ۲۳۲ روی آن مؤسسه خیریه نام فردی گذاشته شده که حدود دو میلیارد دلار [به آن] اهدا کرد، درست است؟

◀ فعل **name** (نام گذاشتن روی، نامیدن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (**that charity**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. بنابراین تنها یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) به دلیل کاربرد فعل مجهول (**is named**) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که چون در جمله اصلی، فعل کمکی **is** را به صورت مثبت داریم، در پرسش کوتاه تأییدی همین فعل به صورت منفی مورد نیاز است.

۳ ۲۳۳ فهم کامل شرایط به توجهی بیش از آن‌چه تاکنون داده شده، نیازمند است.

◀ فعل **require** (نیاز داشتن، احتیاج داشتن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (**more thinking / more thought**) بعد از آن قرار گرفته، این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم و گزینه (۱) به دلیل مجهول بودن این فعل (**is required**) حذف می‌شود. دقت کنید که چون در جایگاه فاعل جمله یک اسم مصدر (**understanding**) به کار رفته، فاعل سوم شخص مفرد به حساب می‌آید و کاربرد **require** در گزینه (۴) نیز نادرست است. گزینه (۲) از دو جهت نمی‌تواند صحیح باشد: اولاً طبق مفهوم جمله، فعل **give** به صورت مجهول مورد نیاز است و ثانیاً از نظر معنایی این جمله را می‌توان با **so far** (تاکنون) کامل کرد، نه **yet** (هنوز).

۴ ۲۳۴ دیروز تصادفی وحشتناک در یکی از خیابان‌های شلوغ مرکز شهر [رخ داده] بود. ده‌ها نفر، از جمله دوستم که توسط پلیس با او مصاحبه شد، آن را دیدند.

◀ ده‌ها: **dozens of**

◀ هر دو فعل **see** (دیدن) و **interview** (مصاحبه کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در جای خالی اول، مفعول (**it**) بعد از جای خالی قرار گرفته، اما در جای خالی دوم، مفعول (ضمیر موصولی **who**) را پیش از جای خالی داریم، در مورد اول به فعل معلوم نیاز است در حالی‌که مورد دوم با فعل مجهول کامل می‌شود. بنابراین عملاً در بین گزینه‌های موجود فقط گزینه (۴) می‌تواند صحیح باشد.

۴ ۲۳۵ چه غروب آفتاب زیبایی! بیا بید یکی دو دقیقه بگردیم و تماشايش کنیم، موافقید؟

◀ در صورتی‌که جمله‌ای با **let's** که مخفف **let us** است آغاز شده باشد، پرسش تأییدی آن **shall we?** خواهد بود.

۳ ۲۳۶

فیات بزرگ‌ترین تولیدکننده اتومبیل در ایتالیا است. آن توسط گروهی از اهالی کسب‌وکار ایتالیایی در [سال] ۱۸۹۹ تأسیس شد. در سال ۱۹۰۳، فیات ۱۳۲ ماشین تولید کرد.

هر دو فعل start (تأسیس کردن، بنیاد نهادن) و produce (تولید کردن، ساختن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در جای خالی اول، مفعول (it) پیش از جای خالی قرار گرفته، اما در جای خالی دوم، مفعول (132 cars) را بعد از جای خالی داریم، در مورد اول به فعل مجهول نیاز است و جای خالی دوم با فعل معلوم کامل می‌شود. بنابراین در بین گزینه‌های موجود، تنها گزینه (۳) می‌تواند صحیح باشد.

کدام‌یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

۴ ۲۳۷

(۱) موتورهای بخار در اکثر موارد با دستگاه‌های اقتصادی‌تر و کارآمدتر هم‌چون موتورهای الکتریکی جایگزین شده‌اند.

(۲) گزارش شده است که ساختمان جدید اداره به دلیل شرایط اقتصادی کنونی ساخته نخواهد شد.

(۳) کار کردن در این شرایط به شدت برای سلامتی مضر است، به خصوص اگر هیچ لباس ایمنی‌ای پوشیده نشود.

(۴) بسیاری از حیوانات در طول تاریخ به عنوان یک منبع غذا شکار شده‌اند ولی این در مورد فیل‌ها صدق نمی‌کند.

فعل replace (جایگزین کردن، جانشین کردن) در گزینه (۱) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (steam engines) پیش از آن قرار گرفته است، آن را به صورت مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم (have been replaced / were replaced). در گزینه (۲) نیز شرایط مشابهی داریم و فعل build (ساختن، بنا کردن) در این‌جا متعدی است و چون مفعول آن (the new office building) پیش از آن قرار دارد، در این مورد هم به فعل مجهول نیاز است (will not be built). در مورد گزینه (۳) توجه کنید که فاعل این جمله از یک اسم مصدر (working) تشکیل شده است و همان‌طور که در سال یازدهم نیز گفته شد، در صورتی‌که در جایگاه فاعل جمله یک اسم مصدر (در این مورد working) به کار رفته باشد، فاعل سوم شخص مفرد به حساب می‌آید و در نتیجه در این‌جا به جای are به فعل سوم شخص مفرد is نیاز خواهیم داشت: Working in these conditions is extremely ...

اما گزینه (۴) چه از نظر ساختار جمله مرکب، چه از نظر قرار گرفتن but در بین دو بند جمله برای نشان دادن تضاد بین دو بند و چه از نظر مجهول بودن فعل متعدی hunt (شکار کردن) در زمان حال کامل، بدون اشکال است و در نتیجه این گزینه را به عنوان گزینه صحیح انتخاب می‌کنیم.

هر دوی آن‌ها سخت کار کردند تا بتوانند در امتحان ورودی قبول شوند، مگه نه؟

۱ ۲۳۸

با توجه به این‌که در این‌جا ساختار جمله مرکب را نداریم، پرسش کوتاه تأییدی براساس فاعل و فعل ابتدای جمله (both of them worked) درست می‌شود. علاوه بر این چون در این‌جا فقط فعل اصلی worked را به صورت مثبت و در زمان گذشته ساده داریم، در پرسش کوتاه تأییدی از شکل منفی did (یعنی didn't) استفاده می‌شود. دقت کنید که ضمیر فاعلی مناسب برای both of them (هر دوی آن‌ها) they است.

دیروز تصاویری از سطح سیاره ناهید از کاوشگر فضایی «اکسپلورر» که سال پیش [به فضا] پرتاب شد، دریافت گردید.

۱ ۲۳۹

هر دو فعل receive (دریافت کردن، گرفتن) و launch (به فضا] پرتاب کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در هر دو مورد، مفعول (pictures) و ضمیر موصولی (which) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو مورد به فعل مجهول نیاز داریم و در نتیجه گزینه‌های (۲) و (۴) به دلیل معلوم بودن فعل received حذف می‌شوند. دقت کنید که هر دو فعل قرار گرفته در گزینه‌ها در زمان‌های مشخصی از گذشته (دیروز و سال پیش) انجام شده‌اند و به اتمام رسیده‌اند و در نتیجه در هر دو مورد فعل مجهول را در زمان گذشته ساده (در این‌جا were received و was launched) نیاز داریم.

آن پیرزن، وقتی که او پسری کوچک بود برایش داستان‌هایی می‌خواند، مگه نه؟

۲ ۲۴۰

در جمله اصلی از used to استفاده شده است تا نشان دهیم کاری در گذشته از روی عادت یا به طور پیوسته انجام می‌شده، ولی آن عمل در حال حاضر دیگر قطع شده است. به همین دلیل، در پرسش کوتاه تأییدی didn't را به کار می‌بریم. دقت کنید که ضمیر فاعلی مناسب برای the old woman (آن پیرزن)، she است، نه her.

به تازگی سیاره‌ای جدید در صورت فلکی آبریز کشف شده است. این سیاره اوایل هفته پیش توسط منجمان در کالیفرنیا کشف شد.

۲ ۲۴۱

هر دو فعل find (پیدا کردن، یافتن؛ کشف کردن) و discover (کشف کردن؛ پی بردن به) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در هر دو مورد، مفعول (planet) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو مورد به فعل مجهول نیاز داریم و در نتیجه یکی از گزینه‌های (۲)، (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که فعل قرار گرفته در جای خالی دوم، در زمان مشخصی از گذشته (هفته پیش) انجام شده و به اتمام رسیده است و بنابراین در این مورد فعل مجهول را در زمان گذشته ساده (در این‌جا was discovered) نیاز داریم.

متن کلوز ۱

خیلی وقت پیش نبود که پدر و مادرها از فرزندان نوجوانشان می‌خواستند که مطمئن شوند سکه همراهشان هست تا بتوانند در وضعیت اضطراری با خانه تماس بگیرند. سپس، تلفن‌های همراه آمدند و همه آن [چیزها] را تغییر دادند! امروزه، یکی از هر پنج نوجوان تلفن همراه دارد و این عدد در حال افزایش است. داشتن تلفن همراه شما را در مدرسه «باحال» و محبوب می‌سازد. ولی نداشتن تلفن همراه خجالت‌آور است: مثل پوشیدن لباس‌های یک دهه قبل است! پژوهشی تازه نشان داد که نوجوانان به حدی به گوشی‌های همراهشان معتاد شده‌اند که تفاوت اندکی میان ملاقات یک فرد به صورت چهره‌به‌چهره و صحبت کردن با او با تلفن می‌بینند. پس، دفعه بعد که یک نوجوان می‌گوید: «بابا، اگر برایم یک گوشی همراه نخری، من آدم بی‌همه‌چیزی خواهم بود»، [توجه کنید که] او جدی است!

۱ ۲۸۵

۱) تلفن کردن به، تماس گرفتن با؛ صدا زدن، نامیدن

۲) (به هم) متصل کردن؛ به ... پیوستن، عضو شدن در؛ ملحق شدن به

۳) ترک کردن؛ رها کردن

۴) گذراندن؛ خرج کردن

۴ ۲۸۶

۴) با توجه به این‌که فعل increase (افزایش دادن؛ افزایش یافتن، زیاد شدن) عملی را توصیف می‌کند که در حال حاضر در حال انجام است، در این

مورد به فعل حال استمراری (is increasing) نیاز داریم.

۴ ۲۸۷

۱) راستی

۲) پیشاپیش، قبلاً

۳) دوباره، مجدداً

۴) اما، ولی، با وجود این

۱ ۲۸۸

۱) معتاد

۲) درگیر، گرفتار

۳) علاقه‌مند

۴) سرگرم

۳ ۲۸۹

۱) ارث؛ میراث

۲) هیجان، شور و شغف

۳) تفاوت، فرق

۴) مقایسه، سنجش

متن کلوز ۲

مردم‌شناسان اغلب به چگونگی تغییر فرهنگ در طول زمان علاقه دارند. تمام فرهنگ‌ها دوره‌هایی از تغییر را از سر می‌گذرانند ولی بعضی فرهنگ‌ها سریع‌تر از بقیه تغییر می‌کنند. برای مثال، در ۱۰ سال گذشته فرهنگ چینی هم‌چنان که کالاها و محصولات غربی بسیار محبوب شده‌اند، با سرعت زیاد تغییر کرده است. کشورهای دیگر، هم‌چون فرانسه قوانینی وضع کرده‌اند تا از تغییر بسیار سریع فرهنگشان جلوگیری کنند. به تازگی، دولت فرانسه قانونی را تصویب کرد که شرکت‌ها [ی فرانسوی] را از استفاده از کلمات انگلیسی به جای کلمات فرانسوی منع می‌کند. مردم فرانسه نیز در پذیرفتن کالاها و رستوران‌هایی که در کشورهای دیگر محبوب هستند، کند بوده‌اند. برای مثال، برخی مردم فرانسه قویاً مخالف ساخت «دیسنی‌لند پاریس» بودند، یک پارک موضوعی (پارکی با درون‌مایه‌ای واحد) که در [سال] ۱۹۹۲ در فرانسه ساخته شد.

۳ ۲۹۰

۱) پس، بنابراین

۲) یا

۳) ولی، اما

۴) اگر، چنان‌چه

۴) با توجه به این‌که در این‌جا بین دو جمله مرکب نوعی رابطه تضاد و مقایسه وجود دارد، برای وصل کردن این دو بند از but استفاده می‌شود.

۱ ۲۹۱

۱) اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل (have / has + p.p.) که در این تست مدنظر است برای بیان عملی می‌باشد که در گذشته (در این تست ۱۰

سال قبل) آغاز شده و تا امروز به صورت پیوسته یا متناوب ادامه داشته است.

۴ ۲۹۲

۱) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی، مختص

۲) مناسب، درخور

۳) راضی، خرسند

۴) محبوب، پرتطرفدار

۲ ۲۹۳

۱) علی‌رغم، با وجود

۲) به جای، در عوض

۴) در نتیجه

۲ ۲۹۴

۱) متوجه شدن، پی بردن به

۲) پذیرفتن، قبول کردن

۳) گرفتن؛ به چنگ آوردن؛ دستگیر کردن

۴) وجود داشتن، بودن

متن کلوز ۳

همدلی تماماً دربارهٔ آموختن این است [که] چگونه دیگر انسان‌ها را درک کنیم - هم آن‌چه [که] فکر می‌کنند و هم آن‌گونه [که] احساس می‌کنند. به بیانی دیگر، همدلی یعنی توانایی قرار دادن خود در جای دیگری. هر کسی متفاوت است و سطوح همدلی از فردی به فرد دیگر فرق می‌کند. برخی افراد بسیار بیشتر از دیگران حساسند. آن‌ها به طور طبیعی آن‌چه را [که] دیگران احساس می‌کنند، در می‌یابند. دیگران احساسات را در سایر افراد به آن خوبی نمی‌فهمند. با وجود این، انسان‌ها ذاتاً [موجوداتی] اجتماعی هستند. داشتن روابط با دیگر انسان‌ها بخش مهمی از انسان بودن؛ و داشتن همدلی برای آن روابط حیاتی است.

۲ ۲۹۵

۴) خود را جای کسی گذاشتن: put oneself in sb's shoes

۴) بعد از اکثر صفت‌ها (مانند able در این تست) فعل را به صورت مصدر با to به کار می‌بریم.

متن کلوز ۸

یکی از خصوصیات جامعه ما که جامعه‌شناسان به دقت زیر نظر داشته‌اند، اشتیاق بشر به [آن] است که جزئی از گروه‌های مختلف باشد. جامعه‌شناسان، این [پدیده] را «رفتار گروهی» می‌نامند. جامعه‌شناسان معتقدند که رفتار گروهی دیرزمانی پیش وقتی که انسان ابتدایی تر بود، در بشر آغاز شد. در آن زمان، مردم خانه‌هایی بزرگ ساخته شده از بُتن یا آجر نداشتند تا از آن‌ها در برابر حیوانات وحشی محافظت کند. مردم در غارها می‌خوابیدند و در طول روز بسیار بیشتر بیرون [و] در فضای باز بودند. آن‌ها در همه‌جا به دنبال غذا می‌گشتند تا گونه [آن‌ها] بتواند به زندگی ادامه دهد. نهایتاً، انسان‌ها شروع به درک [این موضوع] کردند که اگر آن‌ها با هم سفر و کار می‌کردند، می‌توانستند غذای بیشتری بیابند و قادر بودند به طرز کارآمدتری با حیواناتی که آن‌ها را تهدید می‌کردند، بجنگند. مقادیر بیشتر غذا و حس بهتر امنیت به انسان‌ها در بقا یافتن و پیشرفت کردن کمک کرد.

۳۲۰ ◀ با توجه به این‌که در این‌جا فعل مربوط به زمان مشخصی از گذشته است و در همان زمان انجام شده و به اتمام رسیده است، در جای خالی به فعل گذشته ساده (در این مورد began) نیاز داریم.

۳۲۱ ▶ یکی از کاربردهای مصدر با to که در این تست مدنظر است بیان هدف و مقصود می‌باشد. دقت کنید که در این‌جا wild (وحشی) نقش صفت را برای animals دارد و در زبان انگلیسی صفت پیش از اسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این، کاربرد قید حالت wildly از نظر دستوری و معنایی در این‌جا صحیح نیست.

- ۳۲۲ (۱) (در) میان، (در) بین (۲) در امتداد؛ در راستای (۳) در طول، در مدت (۴) در میان، در بین
- ۳۲۳ (۱) مگر این‌که (۲) بنابراین (۳) اما، ولی (۴) اگر، چنان‌چه
- ۳۲۴ (۱) به طرزى هولناک، به طور وحشتناک؛ به شدت، شدیداً (۲) جداً؛ شدیداً (۳) به طرزى مؤثر، به طرزى کارآمد (۴) به طور معمول، به طور متداول

متن ۱

شرایط اقتصادی نیز بر امید به زندگی تأثیر می‌گذارد، که مقیاسی آماری از متوسط زمانی است که انتظار می‌رود یک موجود زنده، زندگی کند. برای مثال، در بریتانیا، امید به زندگی در ثروتمندترین و پولدارترین مناطق چندین سال بالاتر از فقیرترین مناطق است. این ممکن است بازتاب عواملی هم‌چون رژیم غذایی و سبک زندگی و هم‌چنین دسترسی به مراقبت پزشکی باشد. این [موضوع] ممکن است هم‌چنین اثری گزینشی را منعکس کند: افراد با بیماری‌های کشنده مزمن کم‌تر احتمال دارد که پولدار شوند یا در محله‌های پولدار زندگی کنند. در گلاسگو این اختلاف جزو بیشترین‌ها در جهان است: امید به زندگی برای مردان در محله به شدت محروم کالتون به ۵۴ [سال] می‌رسد، که ۲۸ سال کم‌تر از محله ثروتمند لنزی است، که فقط ۸ کیلومتر آن طرف‌تر است. هم‌چنین احتمال می‌رود که امید به زندگی از طریق بودن در معرض مقادیر بالای آلودگی هوای بزرگراه یا آلودگی هوای صنعتی تأثیر بپذیرد. این یک راهی است که شغل افراد می‌تواند تأثیری عمده بر امید به زندگی بگذارد. معدن‌کاران زغال‌سنگ (و در نسل‌های قبلی، تراش‌کاران [سنگ] آریست) اغلب امید به زندگی‌هایی کم‌تر از امید به زندگی‌های میانگین دارند. دیگر عواملی که بر امید به زندگی یک فرد تأثیر می‌گذارند، بیماری‌های ژنتیکی، استفاده از مواد مخدر، کشیدن تنباکو، چاقی، دسترسی به مراقبت بهداشتی، رژیم غذایی و ورزش است.

۳۲۵ ۱ پاراگراف قبل از این متن به احتمال زیاد چه چیزی را مطرح می‌کند؟

- (۱) یک عامل یا عواملی که بر امید به زندگی تأثیر می‌گذارد
(۲) زمانی که ایده امید به زندگی اولین بار پدیدار شد
(۳) وضعیت‌های اقتصادی مردم در کشورها
(۴) چرا مردم اکنون طولانی‌تر از گذشته زندگی می‌کنند

۳۲۶ ۴ پاراگراف اول به کدام جنبه از امید به زندگی در بریتانیا می‌پردازد؟

- (۱) دلایلی که انقدر بالاست
(۲) تکنیک‌هایی که برای افزایش آن به کار می‌رود
(۳) چرا سال به سال ثابت نیست
(۴) چگونه از شرایط اقتصادی مردم تأثیر می‌پذیرد

۳۲۷ ۴ کلمه "which" در پاراگراف اول به "life expectancy" اشاره دارد.

- (۱) گلاسگو (۲) اختلاف، فرق (۳) محله کالتون (۴) امید به زندگی

۳۲۸ ۲ کدام یک از موارد زیر در متن به عنوان یک عامل مؤثر بر امید به زندگی ذکر نشده است؟

- (۱) شغل (۲) کشوری که فرد در آن زندگی می‌کند
(۳) رژیم غذایی و ورزش (۴) دسترسی به مراقبت بهداشتی

شوک فرهنگی واکنش هیجانی و روانی به حضور در یک محیط فرهنگی کاملاً جدید است. این اغلب تجربه‌ای بسیار دشوار برای بسیاری از مردم است و شامل چندین مرحله از احساسات می‌شود تا وقتی که فرد به طور موفق با بودن در فرهنگ جدید سازگار شود.

مرحله «ماه غسل» شوک فرهنگی معمولاً نخستین مرحله‌ای است که افراد وقتی که در احاطه ارزش‌های فرهنگی و سبک‌های زندگی متفاوت قرار می‌گیرند، از سر می‌گذرانند. در طول این مرحله، افراد معمولاً تصاویر بسیار مثبتی از محیط جدید فرهنگی‌شان دارند. آن‌ها اغلب این‌ها را به شیوه‌ای ایده‌آل‌گرایانه می‌بینند و مشکلات را نادیده یا حداقلی در نظر می‌گیرند. مواجهه با افراد جدید جذاب و منحصر به فرد در نظر می‌آید. معمولاً این مرحله برای اکثر افراد به نسبت کوتاه است و به سرعت جایش را به مرحله دوم می‌دهد، که «مرحله سرخوردگی» نام دارد.

در طول «مرحله سرخوردگی»، فرد تازه‌وارد شروع می‌کند به تجربه نگاهی منفی‌تر به محیط فرهنگی‌اش. برای مثال، مشکلات برقراری ارتباط در یک زبان جدید یا چشیدن غذاهای مختلف دیگر تازگی ندارد. بازدیدکننده [در این مرحله] اغلب در فرهنگ جدید مشکلات را بزرگ جلوه می‌دهد یا نسبت به آن‌ها مشغولیت ذهنی پیدا می‌کند. یک سرخوردگی قطعی وجود دارد که چیزهایی که باید ساده باشند، هنوز دشوارند. برای مثال، افرادی که شاید از آموختن مبانی یک زبان در طول مرحله ماه غسل لذت برده باشند، اکنون تلاش و برقراری ارتباط با افراد محلی در مرحله سرخوردگی برایشان کار شاقی به نظر خواهد رسید. تازه‌واردها ممکن است در طول این مرحله احساس انزوا کنند و بسیاری از مردم داوطلبانه خود را منزوی می‌کنند. بسته به دیدگاه و شرایط فرد، این مرحله می‌تواند روزها، ماه‌ها یا حتی سال‌ها به طول انجامد.

پس از آن‌که مرحله سرخوردگی به پایان می‌رسد، مرحله سازگاری آغاز می‌شود. این نشان‌دهنده زمانی است که تازه‌واردها شروع به انطباق با فرهنگ جدید می‌کنند. آن‌ها شروع به پذیرفتن تفاوت‌های اطرافشان و چالش‌های زندگی روزمره می‌کنند. آن‌ها می‌توانند قدر دان برخی جنبه‌های فرهنگ جدید باشند، در حالی که در مورد چیزهایی که در مرحله سرخوردگی به عنوان مشکل دیده بودند واقع‌گرا باشند. این راه را برای سه نتیجه محتمل باز می‌کند - تبخّر، عدم پذیرش یا جذب.

۳۴۶ طبق مقاله، شوک فرهنگی چیست؟

- (۱) یک بیماری که از شوک شدید ناشی از ضربه به بدن به وجود می‌آید
- (۲) برنامه‌ای طراحی شده برای حمایت از پروژه‌هایی که جنبه‌های مختلف فرهنگ را معرفی می‌کنند
- (۳) یک تبادل دانش آموز میان دو کشور برای تقویت درک مشترک
- (۴) پاسخ هیجانی و روانی به بودن در یک محیط فرهنگی جدید

۳۴۷ کلمه «they» در پاراگراف ۲ به «people in culture shock» اشاره دارد.

- (۱) افراد در شوک فرهنگی
- (۲) افراد جذاب و منحصر به فرد
- (۳) افرادی که به یک زبان جدید ارتباط برقرار می‌کنند
- (۴) افرادی که فرهنگ خودشان را می‌ستایند

۳۴۸ می‌توان از پاراگراف ۳ برداشت کرد که

- (۱) مواجهه با مرحله دوم شوک فرهنگی ساده‌تر از [مرحله] اول است
- (۲) افراد در مرحله دوم شوک فرهنگی معمولاً کم‌تر احساس نارضایتی می‌کنند
- (۳) در مرحله دوم شوک فرهنگی، افراد برقراری ارتباط با مردم محلی را راحت‌تر می‌بینند.
- (۴) افراد در مرحله دوم شوک فرهنگی معمولاً بیشتر احساس نارضایتی می‌کنند

۳۴۹ در مورد موضوع پاراگراف بعدی متن چه پیش‌بینی‌ای می‌توانید داشته باشید؟

- (۱) چگونه با شوک فرهنگی مواجه شویم
- (۲) اطلاعاتی در مورد مرحله سرخوردگی
- (۳) نتایج محتمل شوک فرهنگی
- (۴) نمونه‌هایی از سرخوردگی نویسنده

اگر شما نیز جزء داوطلبانی هستید که به درصد بالای درس زبان انگلیسی فکر می‌کنید، طبیعتاً به هیچ‌وجه نمی‌توانید از سؤالات درک مطلب و کلوز تست صرف‌نظر کنید. جالب است بدانید که در کنکورهای چند سال اخیر، ۱۳ تست از ۲۵ تست درس زبان انگلیسی، از کلوز تست و درک مطلب طرح شده‌اند و اگر شما نتوانید مهارت‌های لازم برای این دو بخش را کسب کنید، عملاً در ایده‌آل‌ترین حالت، به ۱۲ تست، یعنی ۴۸٪ از سؤالات انگلیسی، پاسخ خواهید داد.

چند توصیه کلی

① درک مطلب و کلوز تست، در اصل مهارت هستند؛ یعنی صرف نظر از این‌که شما چه تعداد لغت بلد هستید و یا دانش گرامری‌تان در چه حد است، اگر مهارت‌های لازم برای این دو بخش را کسب نکنید، عملاً در جواب دادن به تست‌های آن‌ها مشکل خواهید داشت. برای کسب این مهارت‌ها هم باید دو کار را خیلی خوب انجام دهید: اول این درس‌نامه را خوب بخوانید و الگوی متن‌خوانی خودتان قرار دهید؛ و دوم این‌که تا می‌توانید متن‌های کلوز تست و درک مطلب جدید را تمرین کنید. توصیه‌ام این است که هر شب یک متن درک مطلب یا کلوز تست را در برنامه‌تان قرار دهید.

② مهم‌ترین متن‌ها برای شما، متن‌های کتاب‌های درسی هستند. سعی کنید تک‌تک متن‌های کتاب‌های درسی و کتاب‌های کار همراه با آن‌ها را با دقت بخوانید و تحلیل کنید. اگر جمله‌ای را درست متوجه نمی‌شوید، علت آن را تحلیل کنید؛ اگر نیاز بود، از معلم خودتان سؤال کنید. تک‌تک لغات متن‌ها را به خوبی در قالب جمله یاد بگیرید و به طور کلی دل و روده متن‌های کتاب‌های درسی را در بیابورید!

③ هر چند جواب دادن به سؤالات درک مطلب و کلوز تست، به مهارت و تمرین خیلی خیلی زیاد نیاز دارد، اما شما برای کسب این مهارت، به یک ماده اولیه خیلی مهم هم نیاز دارید: دامنه لغت بسیار بالا. اجازه بدهید منظورم را بهتر توضیح دهم: دامنه لغت بالا یعنی تسلط به همه لغات کتاب‌های درسی و همین‌طور بلد بودن لغات مهم خارج از کتاب. پس اگر در متن‌هایی که کار می‌کنید، لغتی زیاد تکرار شده بود، آن لغت را همراه با یک جمله مثال یادداشت کنید تا بتوانید آن را بعداً مرور کنید.

④ حواستان را جمع کنید که یاد گرفتن معنی لغات، بدون یاد گرفتن کاربرد آن‌ها در قالب مثال، خیلی فایده ندارد. از همین الان به خودتان عادت دهید هر لغتی را که یاد می‌گیرید، آن را با مثالش یاد بگیرید. پس قرارمان شد یاد گرفتن همه لغات کتاب‌های درسی و همین‌طور لغات مهم خارج از کتاب در قالب جملات نمونه.

⑤ سعی کنید برای تمرین درک مطلب، از کتاب‌های کمک آموزشی استاندارد استفاده کنید. استاندارد بودن کتاب، هم از نظر تیپ و ظاهر تست‌ها و هم از نظر قالب و ساختار کتاب است. متن‌ها وقتی از نظر تیپ استاندارد هستند که سؤالات آن‌ها مشابه تیپ سؤالات کنکور باشد و از نظر دشواری هم، با کنکور شباهت داشته باشد. علاوه بر این، قالب و فرمت کتاب هم باید استاندارد باشد. مثلاً اگر کتاب، ترجمه یک تعداد از لغات متن را در کنار آن آورده باشد، این کار باعث گمراه شدن شما خواهد شد و شما عملاً در جو واقعی سؤالات درک مطلب قرار نخواهید گرفت.

⑥ احتمالاً شما نیز جزء افرادی هستید که در هنگام خواندن متن، آن را زیر لب‌تان زمزمه می‌کنید! این عادت را کنار بگذارید. چرا؟ چون زمزمه کردن متن، سرعتتان را می‌گیرد. در کنکور و اصلاً در زندگی، سرعت خیلی خیلی مهم است. پس سعی کنید از همین الان این عادت غلط را کنار بگذارید. متن را فقط با چشمانتان بخوانید و سرتان را نیز اصلاً تکان ندهید.

⑦ اولین بار که می‌خواهید به تست‌های متنی جواب دهید، فکر کنید سر جلسه کنکور هستید و باید تست‌ها را در وقت خیلی خیلی محدود خودش جواب دهید. طبیعتاً شما در وقت بسیار محدود کنکور، فرصت نخواهید داشت متن‌ها را ترجمه کنید. پس از همین الان خودتان را عادت دهید که متن‌ها را به انگلیسی بخوانید و به انگلیسی هم تحلیل کنید. (هدف درک مطلب، درک متن‌ها به انگلیسی و پاسخ‌گویی به تست‌ها است، نه ترجمه تک‌تک کلمات و جملات متن.) بعد از این‌که به کل تست‌های متن جواب دادید، حالا می‌توانید بروید سراغ ترجمه آن و تحلیل تک‌تک کلمات.

⑧ صرفاً جهت یادآوری! تمرین زیاد را فراموش نکنید. قرار شد هر شب یک متن کلوز تست یا درک مطلب کار کنید. درست است؟

همان‌طور که می‌دانید، کلوزتست یک متن نسبتاً کوتاه است که تعدادی از کلمات آن حذف و به تست تبدیل شده است. این تست‌ها، یا جنبهٔ واژگان و معنی دارند و یا گرامر. حُب: پس شما باید هم معنی لغات را در تست‌های واژگانی بلد باشید، هم مباحث گرامری مورد سؤال را بلد باشید و هم این‌که کلیت متن را متوجه شوید.

اولین چیزی که باید به آن دقت کنید ذات و ماهیت کلوزتست است. شاید فکر کنید که اگر یک یا چند کلمه از متن حذف شود، متوجه شدن مفهوم آن خیلی دشوار خواهد بود. اما بی‌تعارف می‌گوییم: اشتباه می‌کنید! کافی است همین الان یک پاراگراف را به زبان فارسی بخوانید که اتفاقاً تعدادی از لغات آن نیز حذف شده است. متوجه خواهید شد که نه تنها نبودن آن چند لغت مشکلی ایجاد نمی‌کند، بلکه در بیشتر موارد می‌توانید آن لغات را هم به راحتی حدس بزنید!

چند توصیه برای متن‌های کلوزتست

- ① اولین مرحله برای جواب دادن به تست‌های کلوزتست، خواندن خیلی سریع از روی متن است. حواستان باشد که گفتم متن را سریع بخوانید، نه سؤالات آن را. در این مرحله شما فقط می‌خواهید یک ایده کلی از متن کسب کنید. با توجه به این‌که در کنکور، وقت شما بسیار محدود است، عملاً این مرحله نباید وقت شما را بیشتر از سی چهل ثانیه بگیرد.
- ② چون‌که نویسندگان، معمولاً ایده اصلی نوشته‌شان را در همان جمله اول متن ذکر می‌کنند، حواستان به جمله اول خیلی باشد. خوشبختانه، معمولاً طراح کنکور هم حواش هست و از جمله اول متن، تست طرح نمی‌کند.
- ③ بعد از این‌که یک بار سریع از روی متن خواندید، حالا وقت جواب دادن به تست‌های کلوزتست است. ابتدا هر جمله را تا آخرش بخوانید و بعد بروید سراغ گزینه‌ها. یعنی وقتی رسیدید به جای خالی متن، فوری نروید سراغ گزینه‌ها. سعی کنید وقتی جمله را تا آخر می‌خوانید، حدس بزنید که در جای خالی چه کلمه‌ای می‌تواند قرار گیرد. خیلی وقت‌ها همین حدس، درست از آب درمی‌آید. به حس ششم خودتان ایمان داشته باشید!
- ④ کلوزتست مثل یک پازل است، اصلاً مهم نیست اول کجایش را کامل می‌کنید ولی وقتی بتوانید یکی از بخش‌های آن را کامل کنید، کارتان برای بقیه بخش‌ها هم راحت‌تر خواهد شد. حالا این موضوع به چه کار می‌آید؟ داوطلب زنگ کنکور، حواش خیلی جمع است. داوطلب زنگ می‌داند که ارزش تست‌ها با هم برابر است. پس اگر ببیند که تست اول کلوزتست برایش خیلی سخت است، می‌رود سراغ تست‌های بعدی. این جور، او هم مطمئن می‌شود که تست‌های راحت‌تر را مفت از دست نداده و هم این‌که شاید وقتی به تست‌های راحت‌تر جواب داد، بخش‌های سخت‌تر پازل هم واضح‌تر شدند. شما هم سعی کنید در کنکور و زندگی زنگ باشید و هدفمند پیش بروید.
- ⑤ اگر دیدید از یکی از جملات متن بیشتر از یک سؤال طرح شده است، بی‌خودی هول نشوید. آرامش خودتان را حفظ کنید و یادتان باشد که کلوزتست، پازل زبان انگلیسی است. پس اگر مثلاً از یک جمله ۳ تا تست داشتیم، به ترتیب از تست راحت به سخت جواب دهید.
- ⑥ بد نیست بدانید که خیلی وقت‌ها، تست‌های کلوزتست عملاً تست‌های مستقل واژگان و گرامر هستند. بله؛ قبول داریم که دانستن ایده اصلی متن هم خیلی مهم است، اما حُب شما هم همان اول کار، ایده اصلی متن را متوجه شدید و حالا می‌توانید با در نظر داشتن آن ایده کلی، تست‌ها را به صورت مستقل ببینید. حتماً امتحان کنید. ضرر نمی‌کنید!
- ⑦ گفتم که وقتی جمله را می‌خوانید، حدس بزنید احتمالاً در جای خالی چه کلمه‌ای قرار خواهد گرفت. وقتی خواستید بروید سراغ گزینه‌ها، تک‌تک گزینه‌ها را در جای خالی قرار دهید. جمله با کدام یک از آن‌ها معنی درست‌تری خواهد داشت؟ حدستان هم در بین گزینه‌ها بود؟ کلاً روش حذف گزینه‌های غلط را خیلی استفاده کنید.
- ⑧ یک توصیه کلی: هیچ وقت نگویید: «نمی‌توانم فلان کار را انجام دهم.» هیچ وقت نگویید: «نمی‌توانم به سؤالات کلوزتست و درک مطلب جواب دهم.» به خودتان ایمان داشته باشید و تمرین روزانه متن‌ها را فراموش نکنید. بعد از چند ماه، خودتان خواهید دید که کلوزتست، برایتان مثل آب خوردن خواهد شد!

درک مطلب؛ اوج هنر نمایی طراح زبان انگلیسی

کلاً ما مؤلفان و طراحان زبان انگلیسی، هر وقت بخواهیم بگوییم خیلی کارمان درست است و می‌توانیم تست سخت طرح کنیم، می‌رویم سراغ درک مطلب! طراح کنکور هم جزء همین افراد است و معمولاً بیشترین خلاقیت و هنرمندی خودش را در همین بخش به خرج می‌دهد! شما داوطلب عزیز کنکور نیز دو راه حل دارید: یا می‌توانید طراح کنکور و آزمون آزمایشی را مورد عنایت خودتان قرار دهید و کلاً از بخش درک مطلب صرف‌نظر کنید؛ و یا منطقی عمل کنید و به فکر یافتن راهکاری برای معضل درک مطلب باشید. اگر مسیر دوم را انتخاب می‌کنید، با من همراه شوید تا با کمک هم شاخِ غول زبان انگلیسی را بشکنیم!

مراحل پاسخ‌گویی به تست‌های درک مطلب

① قبل جواب دادن به تست‌های درک مطلب اول یک بار خیلی سریع صورت تست‌ها را بخوانید. یعنی قبل از این‌که بروید سراغ خود متن، اول صورت تست‌ها را بخوانید. البته حواستان باشد که خواندن گزینه‌ها اصلاً لازم نیست؛ فقط خود صورت تست‌ها. حالا فایده این کار چیست؟ طبیعتاً خواندن صورت سؤال، از شما وقت زیادی نخواهد گرفت و برای هر متن، نهایتاً ۲۰، ۳۰ ثانیه وقت خواهد گرفت. اما با انجام همین یک کار ساده، به راحتی متوجه خواهید شد که در بین اطلاعات موجود در متن، کدام اطلاعات، مهم و اصلی هستند و کدام اطلاعات حاشیه‌ای و زائد.

② همه افرادی که خودشان را برای امتحانات معتبر زبان انگلیسی مثل IELTS و TOEFL آماده می‌کنند، با اصطلاح skimming (نگاه اجمالی) آشنا هستند. بعد از این‌که شما صورت تست‌ها را خواندید، حالا وقت skim کردن یا انداختن نگاه اجمالی به متن است. در این مرحله، خیلی سریع از روی متن بخوانید. فقط حواستان باشد که در این مرحله، به خاطر سپردن اطلاعات مختلف، مثل تاریخ‌ها، نام افراد، روش انجام یک آزمایش و ... لازم نیست. شما در مرحله skimming فقط می‌خواهید جای اطلاعات مختلف را در متن پیدا کنید و اگر با ذهنیتی که از صورت سؤالات دارید، نیاز دانستید، زیر بعضی از کلمات متن خط بکشید. توصیه می‌کنم که در مرحله skimming، جملات اول پاراگراف‌ها و همین‌طور جمله آخر متن را با دقت بیشتری بخوانید؛ چراکه معمولاً نویسنده‌ها ایده اصلی هر پاراگراف را در جمله اول آن ذکر می‌کنند و جمله آخر متن نیز برای جمع‌بندی آن است.

③ حالا بروید سراغ تست‌ها. هر تستی یک یا چند کلمه کلیدی دارد. این کلمات را پیدا کنید و مرحله scanning (اسکن کردن) و بررسی دقیق متن را آغاز کنید. با توجه به ذهنیتی که از متن دارید، محدوده تقریبی پاسخ تست را پیدا کنید و تک‌تک گزینه‌ها را با توجه به آن بخش متن بررسی کنید. حتماً از روش حذف گزینه‌های نادرست استفاده کنید. معمولاً ۲ تا از گزینه‌ها به راحتی حذف می‌شوند و گیر شما فقط بین ۲ گزینه باقی‌مانده خواهد بود. ببینید کدام گزینه طبق بخش مورد نظر از متن، صحیح‌تر است. به حس ششم خودتان اعتماد کنید و همان گزینه را انتخاب کنید.

④ حُب؛ طبیعتاً می‌دانید که اهمیت و ارزش تست‌های درک مطلب با هم برابر است. پس در این‌جا هم حواستان باشد که اول تست‌های راحت‌تر را جواب دهید؛ و بعد اگر وقت آوردید، سؤالات سخت‌تر را هم جواب می‌دهید. حواستان باشد که تست‌های راحت کنکور را مفت از دست بدهید.

تیپ‌شناسی سؤالات درک مطلب

در کنکور ما، تست‌های درک مطلب دارای چند تیپ اصلی و یک تعداد تیپ جدید است. طبیعتاً شما برای پاسخ‌گویی به تست‌های درک مطلب، باید با تیپ‌های مختلف سؤالات آشنا شوید و شیوه پاسخ‌گویی به هر کدام را نیز بررسی کنید. در ادامه، تیپ‌های سؤالات درک مطلب را از آسان به سخت بررسی می‌کنیم:

تیپ ۱: مرجع ضمیر یا کلمه

در زبان انگلیسی هم مثل زبان فارسی، برای جلوگیری از تکرار یک اسم، به جای آن از ضمیر استفاده می‌شود. مثلاً وقتی گفته می‌شود: «علی دانش‌آموز خوبی است. او درس‌هایش را جدی می‌گیرد»، مرجع ضمیر «او»، «علی» است. در آسان‌ترین تیپ سؤالات درک مطلب، زیر یک ضمیر از متن خط کشیده می‌شود و از شما خواسته می‌شود تا مرجع آن را مشخص کنید. به مثال صفحه بعد دقت کنید.